



اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴

نویسندگان:
دکتر داریوش جعفری
دکتر وحید شافقی شهری
دکتر مجید آقایی
سعید شهبادی
مهدی باسزا
محمد حسن غفاری
ابراهیم علی‌نژاد مهربانی
فرهاد پهلوان‌زاده
شیرین واحدی‌سولی

این کتاب در قالب نظرح پژوهشی با حمایت مالی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام تنظیم شده و مطالب کتاب صرفاً بیانگر دیدگاههای نویسندگان می باشد

سرشناسه	دانش جعفری، داوود، ۱۳۳۳.
عنوان و پدیدآور	اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴ / پدیدآورندگان: دکتر داوود دانش جعفری، دکتر وحید شقاقی شهری، سعید شهیدی، مهدی باسرخا، مجید آقایی، محمد حسن غفاری، ابراهیم علی‌نژاد، فرهاد پهلوان‌زاده، شیرین واحدسولی
مشخصات نشر	: نور علم.
مشخصات ظاهری	: ۵۸۸ ص. : جدول، نمودار، مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۱۱۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
یادداشت	: کتابنامه ص ۵۷۶.
یادداشت	: دانش جعفری، داوود، ۱۳۳۳، مؤلف.
یادداشت	: شقاقی شهری، وحید، ۱۳۵۸، مؤلف.
موضوع	: اقتصاد ایران - سیاست‌گذاری.
موضوع	: اقتصاد ایران - پیش‌بینی.
موضوع	: اقتصاد ایران - خصوصی‌سازی.
رده‌بندی ی‌کره	: ۱۲ الف ۹ / د ۴۷۵ HC
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۸/۹

نشر نورعلم: تهران، خ انقلاب - ۱۲ فروردین - پلاک ۲۵۹ - ط ۴ - واحد ۸ تلفن: ۶۶۴۰۳۶۱۰ و ۶۶۴۸۷۸۲۰

noreelm@yahoo.com

۰۹۱۳۳۳۴۲۲۹

نام کتاب: اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴

پدیدآورندگان: دکتر داوود دانش جعفری، دکتر وحید شقاقی شهری با همکاری: سعید شهیدی، مهدی باسرخا، مجید آقایی، محمد حسن غفاری، ابراهیم علی‌نژاد، فرهاد پهلوان‌زاده، شیرین واحدسولی

ناشر: نور علم

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: الغدير

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فروشگاه در تهران: خ انقلاب - روبروی دبیرخانه دانشگاه تهران - بین. خیابان فروردین و اردیبهشت - کتابسرای اندیشه - نشر نورعلم پایگاه اینترنتی: www.nooreelm.com

موبایل کار: در صورت عدم دسترسی به کتابهای این انتشارات، از طریق تماس با شماره زیر ۰۹۱۳۳۳۴۲۲۹ کتابها با پست به تمام نقاط ایران ارسال می‌شود.

فهرست کلی مطالب

پیشگفتار	۱۵
فصل اول: بررسی شاخص‌های رفاه و پیش‌بینی جایگاه منطقه‌ای ایران در افق ۱۴۰۴	
مقدمه	۴۷
مروارید بر شاخص‌های رفاه	۴۹
پیش‌بینی جایگاه منطقه‌ای ایران در شاخص‌های رفاه	۵۱
جمع‌بندی	۶۸
منابع و مواخذ	۸۲
فصل دوم: بررسی شاخص‌های بهره‌وری و پیش‌بینی جایگاه منطقه‌ای ایران در افق ۱۴۰۴	۸۴
مقدمه	۸۵
مفهوم بهره‌وری و مباحث نظری آن	۸۷
بررسی وضعیت بهره‌وری در ایران در شاخص‌های منطقه	۸۸
وضعیت بهره‌وری ایران در مقایسه با کشورهای همسایه	۱۰۶
تحلیل وضعیت آینده بهره‌وری در اقتصاد ایران	۱۲۰
جمع‌بندی	۱۲۶
منابع و مواخذ	۱۳۴
فصل سوم: بررسی شاخص سهولت کسب و کار و پیش‌بینی جایگاه منطقه‌ای ایران در افق ۱۴۰۴	۱۳۸
مقدمه	۱۳۹
مبانی و مفهوم کسب و کار	۱۴۱
روش‌شناسی شاخص کسب و کار	۱۴۳
وضعیت کشورهای منطقه در شاخص کسب و کار	۱۴۹
پیش‌بینی وضعیت شاخص کسب و کار در افق چشم‌انداز	۱۸۷
جمع‌بندی	۲۰۹
منابع و مواخذ	۲۲۷
.....	۲۳۰

فصل چهارم: بررسی بخش مالی و بودجه‌ای دولت و پیش‌بینی جایگاه منطقه‌ای

۲۳۳	ایران در افق ۱۴۰۴
۲۳۵	مقدمه
۲۳۶	مبانی نظری جایگاه دولت در اقتصاد
۲۵۹	بررسی وضعیت شاخص‌های مالی و بودجه‌ای دولت در اقتصاد ایران
۲۳۴	وضعیت بخش مالی و بودجه‌ای دولت در ایران و کشورهای منطقه
۲۷۸	بررسی وضعیت آتی بخش مالی و بودجه‌ای دولت در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴
۲۸۳	جمع‌بندی
۲۸۵	منابع و مواخذ

فصل پنجم: تحلیل وضعیت خصوصی‌سازی ایران و پیش‌بینی وضعیت منطقه‌ای در

۲۸۷	ایران در افق ۱۴۰۴
۲۸۹	مقدمه
۲۸۹	مبانی نظری خصوصی‌سازی
۳۰۶	شاخص‌های خصوصی‌سازی
۳۰۹	وضعیت خصوصی‌سازی در برخی کشورهای منطقه
۳۲۴	وضعیت خصوصی‌سازی در ایران
۳۳۳	تحلیل وضعیت آینده خصوصی‌سازی و اجرای قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴
۳۳۷	جمع‌بندی
۳۴۱	منابع و مواخذ

فصل ششم: بررسی شاخص‌های رقابت‌پذیری و پیش‌بینی وضعیت منطقه‌ای ایران

۳۴۳	ایران در افق ۱۴۰۴
۳۴۵	مقدمه
۳۴۶	مفهوم رقابت‌پذیری
۳۵۱	شاخص‌های رقابت‌پذیری
۳۵۹	وضعیت کشورهای منطقه در شاخص‌های رقابت‌پذیری
۳۷۲	پیش‌بینی رقابت‌پذیری برای افق چشم‌انداز ۱۴۰۴
۳۸۸	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۸۹	منابع و مواخذ

فصل هفتم: بررسی شاخص‌های امنیت اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت منطقه‌ای

ایران در افق ۱۴۰۴.....	۳۹۱
مقدمه.....	۳۹۳
مبانی نظری امنیت و امنیت اقتصادی.....	۳۹۳
مرور تطبیقی شاخص‌های امنیت اقتصادی کشورهای منطقه.....	۴۰۲
پیش‌بینی شاخص امنیت اقتصادی.....	۴۲۷
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۴۳۲
منابع و مآخذ.....	۴۳۴

فصل هشتم: بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و پیش‌بینی وضعیت منطقه‌ای

ایران در افق ۱۴۰۴.....	۴۳۷
مقدمه.....	۴۳۹
مبانی و مفاهیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.....	۴۴۰
وضعیت موجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.....	۴۵۴
پیش‌بینی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.....	۴۸۷
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۴۹۱
منابع و مآخذ.....	۴۹۴

فصل نهم: جهانی‌شدن اقتصاد و پیش‌بینی وضعیت منطقه‌ای ایران در افق ۱۴۰۴.....

مقدمه.....	۴۹۷
مبانی و مفاهیم جهانی‌شدن.....	۴۹۹
شاخص‌های جهانی‌شدن.....	۵۱۱
پیش‌بینی شاخص‌های جهانی‌شدن.....	۵۳۵
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۵۴۳
منابع و مآخذ.....	۵۴۴

فصل دهم: تحلیل شاخص فلاکت ایران و کشورهای منطقه در افق ۱۴۰۴.....

۱- مقدمه.....	۵۴۹
۲- ۱۰- شاخص فلاکت.....	۵۴۹
۳- ۱- روند شاخص فلاکت در اقتصاد ایران.....	۵۵۱
۴- ۱- تحلیل روند تورم در ایران.....	۵۵۳
۵- ۱۰- تحلیل روند بیکاری.....	۵۶۰

۵۶۲.....	۱۰-۶- تحلیل روند شاخص فلاکت
۵۶۴.....	۱۰-۷- شاخص فلاکت و تحلیل رابطه آن با تورم و بیکاری در ایران
۵۶۵.....	۱۰-۸- بررسی شاخص فلاکت طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه
۵۶۷.....	۱۰-۹- مقایسه شاخص فلاکت در ایران و کشورهای رقیب در منطقه
۵۷۱.....	۱۰-۱۰- دورنمای شاخص فلاکت در برنامه پنجم توسعه
۵۷۳.....	۱۰-۱۱- جمع‌بندی
۵۷۶.....	منابع مأخذ

فهرست جداول

- جدول ۱-۱: تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ (میلیارد دلار)..... ۵۳
- جدول ۲-۱: تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ (دلار)..... ۵۵
- جدول ۳-۱: تولید ناخالص داخلی سرانه به صورت برابری قدرت در سال ۲۰۱۰ (دلار)..... ۵۶
- جدول ۴-۱: ریب جینی کشورهای مختلف ۵۸
- جدول ۵-۱: وضعیت شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۰..... ۶۰
- جدول ۶-۱: شاخص چند بعدی فقر و زیربخش‌های آن در سال ۲۰۰۹ (درصد افراد)..... ۶۲
- جدول ۷-۱: شاخص فقر متوسطی (سال ۲۰۰۸)..... ۶۳
- جدول ۸-۱: شاخص کاهش فقر و زیربخش‌های آن در سال ۲۰۱۰..... ۶۵
- جدول ۹-۱: پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی کشورهای ایران، ترکیه و عربستان در افق ۲۰۲۵
میلادی..... ۷۰
- جدول ۱۰-۱: پیش‌بینی درآمد سرانه کشورهای ایران، ترکیه و عربستان در سال ۲۰۲۵..... ۷۱
- جدول ۱-۲: شاخص‌های بهره‌وری در اقتصاد ایران (سال پایه)..... ۱۰۹
- جدول ۲-۲: شاخص بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران (سال
۱۳۷۶= سال پایه)..... ۱۱۳
- جدول ۳-۲: متوسط رشد شاخص‌های بهره‌وری در برنامه‌های مختلف توسعه (درصد)..... ۱۱۷
- جدول ۴-۲: شاخص بهره‌وری نیروی کار در کشورهای آسیایی منتخب (سال پایه)..... ۱۲۱
- جدول ۵-۲: مقایسه شاخص بهره‌وری نیروی کار کشورهای آسیایی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸..... ۱۲۳
- جدول ۶-۲: نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار کشورهای آسیایی طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۸..... ۱۲۶
- جدول ۷-۲: متوسط نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار ایران و کشورهای منطقه (درصد)..... ۱۲۷
- جدول ۸-۲: پیش‌بینی میزان بهره‌وری نیروی کار در ایران و کشورهای منطقه بر اساس روند
موجود (هزار دلار)..... ۱۲۸
- جدول ۹-۲: پیش‌بینی شاخص‌های بهره‌وری ایران بر اساس سناریوی روند موجود..... ۱۲۹
- جدول ۱۰-۲: پیش‌بینی شاخص‌های مختلف بهره‌وری در ایران بر اساس سناریوی مطلوب..... ۱۳۱
- جدول ۱۱-۲: منابع رشد اقتصادی در تعدادی از کشورهای جهان در دوره ۱۹۹۰-۱۹۳۰..... ۱۳۲
- جدول ۱۲-۲: پیش‌بینی شاخص بهره‌وری کل عوامل در ایران بر اساس سناریوی سوم..... ۱۳۳

جدول ۱-۳: موارد مدنظر قرار گرفته شده در شاخص سهولت کسب و کار	۱۵۰
جدول ۲-۳: مواردی که زیرشاخص آغاز کسب و کار مورد محاسبه قرار می دهد	۱۵۲
جدول ۳-۳: مواردی که زیرشاخص دریافت مجوزهای ساخت و ساز مورد محاسبه قرار می دهد	۱۵۵
جدول ۴-۳: مواردی که زیرشاخص دریافت و اتصال به شبکه برق مورد محاسبه قرار می دهد	۱۵۷
جدول ۵-۳: مواردی که زیرشاخص ثبت دارایی مورد محاسبه قرار می دهد	۱۶۳
جدول ۶-۳: مواردی که زیرشاخص دریافت اعتبار مورد محاسبه قرار می دهد	۱۶۵
جدول ۷-۳: مواردی که زیرشاخص حمایت از سرمایه گذاران مورد محاسبه قرار می دهد	۱۷۰
جدول ۸-۳: مواردی که زیرشاخص پرداخت مالیات مورد محاسبه قرار می دهد	۱۷۶
جدول ۹-۳: مواردی که زیرشاخص تجارت فرامرزی مورد محاسبه قرار می دهد	۱۷۹
جدول ۱۰-۳: مواردی که زیرشاخص اجرای کردن تعهدات مورد محاسبه قرار می دهد	۱۸۲
جدول ۱۱-۳: مواردی که زیرشاخص حل و فصل اعسار (پایان دادن به کسب و کار) مورد محاسبه قرار می دهد	۱۸۵
جدول ۱۲-۳: وضعیت شاخص سهولت کسب و کار در کشورهای مختلف جهان	۱۸۸
جدول ۱۳-۳: وضعیت زیرشاخص آغاز کسب و کار در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۱۹۰
جدول ۱۴-۳: وضعیت زیرشاخص دریافت مجوز ساخت در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۳	۱۹۲
جدول ۱۵-۳: وضعیت زیرشاخص اتصال به برق در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۱۹۴
جدول ۱۶-۳: وضعیت زیرشاخص اتصال به برق در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۱۹۶
جدول ۱۷-۳: وضعیت زیرشاخص دریافت اعتبار در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۱۹۷
جدول ۱۸-۳: وضعیت زیرشاخص حمایت از سرمایه گذاران در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۱۹۹
جدول ۱۹-۳: وضعیت زیرشاخص پرداخت مالیات در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۲۰۱
جدول ۲۰-۳: وضعیت زیرشاخص تجارت بین المللی در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲	۲۰۴

جدول ۲-۱: وضعیت زیرشاخص اجرایی کردن تعهدات در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۱۲.....	۲۰۶
جدول ۲-۲: وضعیت زیرشاخص حل و فصل اعسار در کشورهای منتخب منطقه در گزارش سال ۲۰۰۸.....	۲۰۶
جدول ۲-۳: رتبه‌بندی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در زیرشاخص‌های سهولت کسب و کار.....	۲۱۰
جدول ۲-۴: بهترین روش‌های بهبود شاخص‌های سهولت کسب و کار در کشورهای جهان.....	۲۲۳
جدول ۳-۱: سهم و درصد تغییر درآمدهای عمومی دولت در ایران (به تفکیک دوره‌های زمانی).....	۲۶۰
جدول ۳-۴: سهم مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم از کل درآمدهای مالیاتی.....	۲۶۲
جدول ۳-۴: سهم انواع مالیات‌ها از مالیات کل (درصد).....	۲۶۳
جدول ۴-۴: سهم درصد تغییر مخارج دولت در ایران به تفکیک دوره‌های زمانی.....	۲۶۸
جدول ۵-۴: وضع مالی بر حسب تیرهای بودجه‌ای (هزار میلیارد ریال).....	۲۶۸
جدول ۶-۴: کسری بودجه بر مبنای (هزار میلیارد ریال).....	۲۶۹
جدول ۷-۴: اندازه دولت در اقتصاد ایران (درصد).....	۲۷۳
جدول ۸-۴: نسبت مخارج کل به تولید ناخالص داخلی (درصد).....	۲۷۷
جدول ۹-۴: نسبت مخارج جاری به تولید ناخالص داخلی (درصد).....	۲۷۸
جدول ۱۰-۴: نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت (درصد).....	۲۷۸
جدول ۱۱-۴: پیش‌بینی وضعیت شاخص‌ها در افق ۱۴۰۴ بر مبنای سناریوی گذشته نگر.....	۲۸۰
جدول ۱-۶: عوامل موثر در قدرت یک کشور.....	۳۵۰
جدول ۲-۶: وزن شاخص‌های مختلف در مراحل مختلف توسعه.....	۳۵۸
جدول ۳-۶: رتبه‌بندی کشورهای جهان از نظر رقابت‌پذیری.....	۳۶۰
جدول ۴-۶: شاخص‌های کلیدی کشورهای موفق منطقه در شاخص رقابت‌پذیری (۲۰۰۹).....	۳۶۱
جدول ۵-۶: زیر شاخص‌های رقابت‌پذیری در کشورهای ایران، عربستان و ترکیه (۲۰۰۹).....	۳۶۲
جدول ۱-۷: سطوح مختلف امنیت اقتصادی.....	۳۹۸
جدول ۲-۷: رویکردهای مختلف نسبت به امنیت اقتصادی.....	۳۹۹
جدول ۳-۷: شاخص آزادی اقتصادی ایران و کشورهای رقیب با محاسبات بنیاد هریتیج برای سال ۲۰۱۱.....	۴۰۴
جدول ۴-۷: شاخص وضعیت امنیت اقتصادی در ایران با معیار بانک جهانی در سال ۲۰۰۹.....	۴۱۱
جدول ۵-۷: شاخص‌های مورد استفاده در ساخت شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی.....	۴۱۳
جدول ۶-۷: رشد اقتصادی کشورهای منطقه (درصد).....	۴۱۴

جدول ۷-۷: نرخ تشکیل سرمایه و سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی	۴۱۶
(درصد)	
جدول ۸-۷: شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی برای ایران و رقبای آن در منطقه (عدد شاخص بین صفر تا ۱۵ می‌باشد)	۴۲۶
جدول ۱-۸: منافع و مضرات مورد انتظار برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴۴۶
جدول ۲-۸: جریان خالص ورودی FDI (میلیون دلار)	۴۵۷
جدول ۳-۸: سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در ایران از طریق قانون حمایت از سرمایه‌های خارجی (میلیون ریال)	۴۶۸
جدول ۴-۸: سرمایه‌گذاری‌های خارجی تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌های مستقیم خارجی	۴۷۰
جدول ۵-۸: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای خاورمیانه (میلیون دلار)	۴۷۷
جدول ۶-۸: سهم کشورهای منطقه از جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آسیا (درصد)	۴۸۰
جدول ۷-۸: نرخ رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای خاورمیانه (درصد)	۴۸۲
جدول ۸-۸: انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای خاورمیانه (میلیون دلار)	۴۸۳
جدول ۹-۸: نسبت جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP (درصد)	۴۸۵
جدول ۱۰-۸: پیش‌بینی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اساس سناریو اول (میلیارد دلار)	۴۸۸
جدول ۱۱-۸: پیش‌بینی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران بر اساس سناریوی سوم (میلیون دلار)	۴۹۵
جدول ۱-۹: شاخص‌های منتخب بازبودن تجاری (مشمولیت) کشورهای منطقه (سال ۲۰۰۸-۰۹)	۵۱۵
جدول ۲-۹: شاخص‌های منتخب بازبودن تجاری (بروندادی) در کشورهای منطقه (سال ۲۰۰۸-۰۹)	۵۱۸
(۲۰۰۸)	
جدول ۳-۹: شاخص بازبودن مالی KAOPEN برای دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۵	۵۲۲
جدول ۴-۹: شاخص‌های کمی بازبودن مالی در کشورهای منطقه (سال ۲۰۰۸-۰۹)	۵۲۴
جدول ۵-۹: متغیرها و شاخص‌های استفاده شده برای تعیین میزان جهانی شدن اقتصاد	۵۲۶
جدول ۶-۹: متغیرها و شاخص‌های استفاده شده برای تعیین میزان جهانی شدن اجتماع	۵۲۷
جدول ۷-۹: متغیرها و شاخص‌های استفاده شده برای تعیین میزان جهانی شدن سیاست	۵۲۸
جدول ۸-۹: رتبه و امتیاز کشورهای مختلف جهان در شاخص‌های جهانی شدن کی.آ.اف در سال ۲۰۱۰	۵۳۲

جدول ۹-۹: رتبه و امتیاز کشورهای مختلف جهان در شاخص‌های جهانی شدن کرنی و سیاست خارجی (۲۰۰۷).....	۵۳۴
جدول ۹-۱۰: پیش‌بینی درجه بازبودن تجاری بر اساس سناریوی هدف در سال ۲۰۲۵.....	۵۳۸
جدول ۹-۱۱: پیش‌بینی درجه بازبودن مالی بر اساس سناریوی هدف در سال ۲۰۲۵ میلادی.....	۵۴۰
جدول ۱-۱۰: نرخ تورم، نرخ بیکاری و شاخص فلاکت در ایران طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۶۸.....	۵۵۲
جدول ۲-۱۰: نرخ بیکاری ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۵۸ بر اساس آمار مرکز آمار ایران و صندوق بین‌المللی پول.....	۵۶۱
جدول ۳-۱۰: شاخص فلاکت در برنامه‌های پنجساله توسعه.....	۵۶۶
جدول ۴-۱۰: شاخص فلاکت، نرخ بیکاری و نرخ تورم ایران و کشورهای رقیب منطقه.....	۵۶۸
جدول ۵-۱۰: پیش‌بینی شاخص فلاکت در سال‌های اجرای برنامه پنجم توسعه بر اساس اهداف متعادل برنامۀ.....	۵۷۲
جدول ۶-۱۰: پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از نرخ تورم و بیکاری در ایران و کشورهای رقیب منطقه.....	۵۷۲

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۱: روند تابع رفاه اجتماعی سن	۶۸
نمودار ۲-۱: روند تغییرات زیر شاخص درآمد تا سال ۲۰۲۵	۷۴
نمودار ۳-۱: روند تغییرات زیر شاخص آموزش تا سال ۲۰۲۵	۷۷
نمودار ۴-۱: روند تغییرات زیر شاخص سلامت تا سال ۲۰۲۵	۸۰
نمودار ۵-۱: تغییرات شاخص توسعه انسانی و پیش‌بینی روند آتی آن تا سال ۲۰۲۵	۸۱
نمودار ۲-۲: نور باطل بهره‌وری پایین	۹۵
نمودار ۲-۱: عوامل بهره‌وری	۱۰۳
نمودار ۳-۲: شاخص بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در اقتصاد ایران	۱۱۶
نمودار ۴-۲: پیش‌بینی بهره‌وری نیروی کار بر اساس سناریوی روند موجود (هزار دلار)	۱۲۹
نمودار ۵-۲: پیش‌بینی شاخص بهره‌وری در ایران بر اساس سناریوی روند موجود	۱۳۰
نمودار ۶-۲: پیش‌بینی شاخص بهره‌وری در ایران بر اساس سناریوی مطلوب	۱۳۲
نمودار ۱-۳: برخی از مهمترین دستاوردهای محیط سرمایه‌گذاری	۱۴۷
نمودار ۲-۳: کشورهایی که با بهبود رتبه شاخص کسب‌وکار مواجه بوده‌اند	۲۱۹
نمودار ۳-۳: کشورهایی که رتبه شاخص کسب‌وکار آنها با ثبات همراه بوده است	۲۳۰
نمودار ۴-۳: کشورهایی که با کاهش رتبه شاخص کسب‌وکار مواجه بوده‌اند	۲۳۱
نمودار ۱-۴: سهم انواع درآمدهای عمومی از کل درآمدهای دولت (درصد)	۲۶۰
نمودار ۲-۴: سهم بخش عمومی از اقتصاد ایران (درصد)	۲۷۴
نمودار ۱-۶: اجزاء شاخص رقابت‌پذیری و متغیرهای مورد استفاده در محاسبه آن	۳۵۳
نمودار ۲-۶: تعیین درجه توسعه یافتگی اقتصادهای مختلف	۳۵۸
نمودار ۳-۶: روند تغییرات امتیاز رقابت‌پذیری کشورهای مختلف جهان از سال ۲۰۰۵	۳۵۹
نمودار ۵-۶: وضعیت زیرشاخص‌های رقابت‌پذیری عربستان و ترکیه	۳۶۸
نمودار ۶-۶: وضعیت زیرشاخص‌های رقابت‌پذیری کویت و بحرین	۳۷۰
نمودار ۷-۶: وضعیت زیرشاخص‌های رقابت‌پذیری ایران	۳۷۲
نمودار ۱-۷: شاخص آزادی اقتصادی ایران و کشورهای رقیب با محاسبات بنیاد هریتیج	۴۰۵
نمودار ۳-۷: روند شاخص رشد اقتصادی (درصد)	۴۱۵
نمودار ۴-۷: روند تغییرات نرخ تورم (درصد)	۴۱۸
نمودار ۵-۷: روند شاخص حاکمیت قانون	۴۱۹
نمودار ۶-۷: روند شاخص کیفیت مقررات	۴۲۰

نمودار ۷-۷: روند شاخص ادراک فساد.....	۴۲۱
نمودار ۸-۷: روند شاخص کنترل فساد.....	۴۲۲
نمودار ۹-۷: روند شاخص کارایی دولت برای.....	۴۲۳
نمودار ۱۰-۷: روند شاخص میزان دسترسی به اطلاعات (درصد).....	۴۲۴
نمودار ۱۱-۷: روند شاخص مدت زمان لازم برای آغاز یک کسب و کار (درصد).....	۴۲۵
نمودار ۱۲-۷: شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی برای کشورهای منطقه (عدد شاخص بین صفر تا ۱۵ می‌باشد).....	۴۲۷
نمودار ۱۳-۷: پیش‌بینی شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی برای کشورهای منطقه (سناریوی اول).....	۴۲۸
نمودار ۱۴-۷: پیش‌بینی شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی برای کشورهای منطقه (سناریوی دوم).....	۴۳۰
نمودار ۱۵-۸: روند جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار).....	۴۵۶
نمودار ۱۶-۸: سهم کشورهای در حال توسعه از جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.....	۴۵۸
نمودار ۱۷-۸: روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران (میلیون دلار).....	۴۷۱
نمودار ۱۸-۸: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌های خارجی (میلیون دلار).....	۴۷۱
نمودار ۱۹-۸: جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران (میلیون دلار).....	۴۷۶
نمودار ۲۰-۸: جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار).....	۴۷۸
نمودار ۲۱-۸: پیش‌بینی FDI در کشورهای منطقه با توجه به سناریوی دوم (میلیارد دلار).....	۴۹۰
نمودار ۲۲-۹: روند تغییرات درجه بازبودن تجاری (نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی).....	۵۳۶
نمودار ۲۳-۹: روند تغییرات درجه بازبودن مالی (نسبت خالص سرمایه‌های مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی).....	۵۳۹
نمودار ۲۴-۹: روند تغییرات بازبودن فرهنگی (استفاده کنندگان اینترنت در هر نفر).....	۵۴۲
نمودار ۲۵-۱: شاخص فلاکت، نرخ تورم و بیکاری در ایران طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۸.....	۵۵۲
نمودار ۲۶-۲: نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۹ بر اساس آمار مرکز آمار ایران.....	۵۶۰
نمودار ۲۷-۳: متوسط شاخص فلاکت در برنامه‌های مختلف پنج‌ساله توسعه.....	۵۶۶
نمودار ۲۸-۴: شاخص فلاکت در ایران و کشورهای رقیب منطقه.....	۵۶۹
نمودار ۲۹-۵: متوسط شاخص فلاکت در ایران و کشورهای رقیب منطقه.....	۵۷۱
نمودار ۳۰-۶: مقایسه پیش‌بینی شاخص فلاکت ایران و کشورهای رقیب منطقه طی سال‌های برنامه پنجم توسط صندوق بین‌المللی پول.....	۵۷۳

www.ketab.ir

پیشگفتار

پیشرفت و توسعه از دیرباز آرمان ملت‌ها و حکومت‌ها بوده و مطالعات متعددی در حوزه عوامل و مولفه‌های توسعه طی دهه‌های گذشته انجام شده است. با این حال برای پیشرفت هر ملتی، تصویر آرمانی مطلوب و شوق‌انگیز از آینده، محرکی برای تلاش و همت بیشتر در جهت تحقق توسعه و پیشرفت تلقی می‌گردد. چشم‌انداز، دورنمای حرکت ملت و دولت را مشخص می‌سازد و تلاش‌ها را به یک سمت مشخصی رهنمون می‌کند. لذا وجود چشم‌انداز نوعی هم‌افزایی در حرکت‌ها و اقدامات را ایجاد می‌کند و جهت‌گیری‌ها را به یک سمت هدایت کرده و از پراکندگی و سردرگمی‌ها دور می‌کند. با توجه به محاسن تصویر چشم‌انداز برای هر ملتی، کشورهای مختلف اعم از توسعه‌یافته و درحال توسعه آرمان بلندمدتی برای کشورهایشان تدوین کرده‌اند که افق آینده را به صورت حرکت نشان دهد. در این راستا نیز کلیه برنامه‌های میان‌مدت و سالانه را برای تحقق این برنامه‌های مطلوب بسیج داشته‌اند. در بین همسایگان ایران نیز رقبای کشور از جمله عربستان و ترکیه دورنمای خود را تدوین کرده و درحال تلاش برای تحقق آن هستند. ترکیه آرمان خود را برای ۲۰۲۳ میلادی و عربستان برای ۲۰۲۵ میلادی ارائه داده و درحالی حاضر نیز شواهد و قرائن بیانگر تلاش این کشور برای نیل به آرمان‌های متصور و تحقق اهداف اسناد چشم‌انداز است. ترکیه قرار گرفتن در بین ده اقتصاد قدرتمند جهانی را محور تلاش‌های خود تا افق ۲۰۲۳ میلادی قرار داده و عربستان نیز دو برابر کردن تولید ناخالص داخلی سرانه (بهبود رفاه مادی) و ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی هر ایرانی را با تداوم سنت‌های مذهبی و فرهنگی را جزو اهداف ۲۰۲۵ میلادی خود متصور شده است.

کشور ایران نیز با داشتن تاریخی کهن، منابع سرشار و غنی، وسعت خاک و قرارگرفتن در شاهراه‌های تجارت جهانی، دسترسی به آبراه‌های بین‌المللی، نیروی انسانی جوان، متکی به ابزار قدرتمندی به نام دین و اسلام، برخورداری از تجربه‌های انقلاب شکوهمند و جنگ تحمیلی بطور یقین می‌تواند نقش‌آفرینی بزرگی در جهان و منطقه ایفا کند و سهم بسزایی در تحولات آینده بین‌المللی داشته باشد. وجود این همه ظرفیت بالقوه ایجاب می‌نمود که آرمان ملت بزرگ ایران به تصویر کشیده شود تا انقلابی دیگر این بار در سایر عرصه‌ها به منصفه ظهور برسد. به همین منظور بعد از پایان جنگ تحمیلی و سپس برنامه اول توسعه، تدوین دورنمای مطلوب کشور در دستور کار قرار گرفت و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام مسئول تدوین این سند شد.

چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی پس از مطالعات و بحث‌های متعدد کارشناسی در دبیرخانه تنظیم و سپس در صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام به اجماع اعضای مجمع رسید و با اعمال برخی اصلاحات توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ ه.ش ابلاغ گردید. ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام مقارن با شروع برنامه پنجساله چهارم توسعه بوده و هدف نیز بر این اساس طراحی شده بود که با اجرای چهار برنامه پنجساله توسعه، اهداف متصور برای چشم‌انداز بیست ساله محقق شود.

خوب است که اصل این سند نیز پیشرفت اقتصادی، علمی و فناوری است و هدف آن دستیابی به یگانگی منطقه آسیای جنوب غربی در حوزه‌های اقتصادی و علم و فناوری بوده است. در واقع موتور محرک شرف، اقتصاد، علم و فناوری قرار داده شده و سایر حوزه‌ها در سطوح بعدی قرار دارند.

با ابلاغ این سند، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام موظف شد ضمن مطالعات کارشناسی میزان پیشرفت اهداف سند و حسن اجرای آن را رصد نماید و بتواند ضمن آسیب‌شناسی، موانع و مشکلات را رفع کرده و تحقق اهداف سند را شناسایی و پیشنهادها را برای برطرف نمودن آنها ارائه دهد. این ابعاد مختلف سند چشم‌انداز طی سال‌های گذشته مورد کنکاش و بررسی علمی قرار گرفته و کارهای متعددی برای پایش تحقق اهداف سند و نیز بررسی و تحلیل وضعیت فعلی و آتی ایران و برقراری منطقه‌ای تشکیل گردیده است.

جلد اول کتاب حاضر نیز با تمرکز بر برخی ابعاد و محورهای کلیدی تصور در سند چشم‌انداز بویژه با محوریت مولفه‌های مهم حوزه اقتصادی تنظیم شده و بدنبال این است که ضمن تبیین اهمیت موضوع و تصویر شاخص‌ها و نمایانگرهای بطروحه، بتواند مقایسه‌ای از وضعیت فعلی و گذشته شاخص‌های مختلف ارائه دهد و در نهایت بر پایه سناریوهای مطلوب و ممکن بتواند آینده‌نگری در خصوص شاخص‌های کلیدی اقتصادی داشته باشد. از اینرو در کلیه مباحث کتاب، چارچوب مشخصی دنبال شده و ابتدا مفهوم و اهمیت شاخص مورد نظر تبیین شده و سپس وضعیت فعلی ایران و کشورهای منطقه طی سال‌های اخیر ذکر شده و در ادامه نیز بر پایه سناریوها و هدف‌گذاری‌های مختلف، آینده‌نگری در شاخص‌های کلیدی اقتصادی معرفی شده صورت پذیرفته است.

همانگونه که اشاره شد جلد اول کتاب با محوریت مباحث اقتصادی تنظیم شده است. برای این منظور مباحث و حوزه‌های مهم اقتصادی مشتمل بر رفاه، بهره‌وری، کسب و کار، بخش مالی و بودجه‌ای دولت، خصوصی‌سازی، رقابت‌پذیری، امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و

بالاخره جهانی‌شدن آورده شده و در جلدهای بعدی سعی بر این است دیگر حوزه‌های اقتصادی و همچنین سایر حوزه‌ها نظیر اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و امنیتی و حقوقی و قضایی پوشش داده شوند.

امید است این تلاش‌ها بتواند گامی هرچند کوچک در تحقق آرمان این ملت بزرگ و همیشه تاریخ‌ساز بوده و راهنمای مطالعات دانشگاهیان و تلاش‌های هرچه بیشتر مسئولان در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز باشد.

نویسندگان

زمستان ۱۳۹۲

www.ketab.ir

مقدمه

تصویب و ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران بدون شک کلیه دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی کشور را به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های متناسب با منویات این سند مکلفه نموده است. سند چشم‌انداز بیست ساله که نمایان‌گر مسیر توسعه کشور می‌باشد، ایران را در افق ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل توصیف کرده است. بنابراین انتظار می‌رود ایرات به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای، وضعیت محیطی و اولویتهای خود را در ارتباط با سیستم منطقه‌ای مشخص سازد تا بتواند به عنوان کانون قدرت برتر منطقه‌ای ایفای نقش کند.

به‌طور کلی چشم‌انداز عبارت است از آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلندمدت معین که متناسب با ارزش‌های آرمانی نظام و مردم تعیین می‌گردد. با توجه به اهمیت موضوع و به دنبال تحولات مثبت در نظام برنامه‌ریزی کشور، در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه، افق بیست ساله برای توسعه کشور ترسیم شد تا جامعه توسعه با جهت‌گیری دستیابی به ویژگی‌های افق مقصد، تنظیم و تدوین شود. پیش‌نویس اولیه این سند که حاصل مطالعات کارشناسی و جلسات متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برخی دانشگاه‌ها بود، پس از تنظیم نهایی برای رهبر معظم انقلاب فرستاده شد و ایشان نیز بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی آن را با تغییراتی اندک و با عنوان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ابلاغ نمودند.

سند چشم‌انداز، چارچوبی است که استراتژی کشور را برای دو دهه آینده مشخص نموده و بر اساس نص آن قرار است جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ جایگاهی ممتاز در منطقه، جهان اسلام و در تعامل با کشورهای جهان داشته باشد. به این منظور سند:

«در سال ۱۴۰۴ ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»

ذیل این عبارت ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز در قالب هشت بند معرفی شده و سال ۱۳۸۴ به عنوان سال آغازین اجرای آن معرفی شده است.

در این سند جامعه ایرانی جامعه‌ای است:

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر، فساد و تبعیض.

- برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی و مفتخر به ایرانی بودن با جامعه‌ای اخلاقی و توسعه کارآمد و رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

همچنین در سند تاکید شده که در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه سالیانه، موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

شاخص‌های کمی کلان از قبیل سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و بیکاری، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ، آموزش، پژوهش و ترویج، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز تنظیم و تعیین گرد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود.

موضوعی که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است، جایگاه ممتاز «منطقه‌ای» پیش از این در این چشم‌انداز بوده است. با توجه به اهمیت تعاملات منطقه‌ای و ارتباط در هم تنیده کشورها و نیز تأثیرگذاری سیاست‌های اقتصادی کشورها در ابعاد بین‌المللی، برنامه بلند مدت ایران «جایگاه ممتاز منطقه‌ای برای ایران پیش‌بینی نموده است.

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ اهمیت جایگاه منطقه‌ای ایران در بلندمدت را با ظرافت مدنظر داشته و اهمیت آن را متذکر شده است. اما این موضوع برنامه ریزی دقیق‌تر و توجه به جایگاه منطقه‌ای ایران در سیاست‌های اتخاذ شده را طلب می‌نماید. بسیاری از کشورهای منطقه نیز در مسیر توسعه قرار داشته و برخی حتی برنامه‌های بلندمدت را نیز برای بخش‌های مختلف خود طراحی و به اجرا گذارده‌اند. از این روی غفلت از روند توسعه سایر کشورهای منطقه، ممکن است دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ را با مشکلات جدی مواجه نماید.

ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای برای دستیابی به جایگاه ممتاز منطقه‌ای می‌بایست وضعیت محیطی و اولویت‌های خود را در ارتباط با نظام منطقه‌ای مشخص سازد تا بتواند به عنوان کانون قدرت برتر منطقه‌ای ایفای نقش کند.

علیرغم تلاش‌هایی که برای رشد شاخص‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد، باید در نظر داشت که کشورهای منطقه نیز با توجه به اهداف بلندمدت و میان‌مدت خود در حال رشد بوده و شاخص‌های آنان نیز در حال تحول می‌باشد. بنابراین یافتن جایگاه واقعی ایران در سال ۱۴۰۴، مستلزم شناسایی جایگاه رقابتی منطقه‌ای در آن برهه از زمان قیز می‌باشد. به عبارت دیگر اظهار نظر پیرامون جایگاه واقعی ایران در افق چشم‌انداز و رصد نمودن روند نیل به اهداف سند در بخش‌های مذکور، زمانی قابل اتکا خواهد بود که مسیر تغییرات در بخش‌های

استراتژیک کشورهای منطقه به درستی شناسایی و ارزیابی دقیقی از وضعیت آتی شاخص‌های مذکور برای آنان نیز صورت گیرد.

گزارش‌هایی که موسسات اقتصادی بین‌المللی منتشر نموده‌اند نشان می‌دهد که کشورهای منطقه در برخی از شاخص‌های مهم اقتصادی روند بهتری را در سال‌های اخیر نسبت به ایران تجربه نموده‌اند که ادامه این مسیر، موفقیت در نیل به اهداف چشم‌انداز را با چالش‌های اساسی مواجه می‌نماید. البته باید توجه داشت که از نظر دلسوزان نظام که لاین سند را در شرایط دیگری تنظیم کرده‌اند، ضمن این که می‌باید همگان در جهت تحقق آن تلاش نمایند، از طرف دیگر با توجه به مشکلات پیچیده و محدودیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، اگر کشور در راستای آن هم حرکت کند موفقیت بزرگی محسوب می‌شود و برخی از شاخص‌ها که موقتاً در آن مسیر قرار نگرفته، باید موجب انفعال گردد.

یافتن دیدگاه جامع پیرامون وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای رقیب در چشم‌انداز بلندمدت استراتژیک ایران در مقاله، این قابلیت را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌نماید که دیدگاه واقع‌بینانه‌تری به برنامه‌ها داشته و جایگاه رقبای خود در مسیر مورد نظر برای توسعه را نیز در نظر گیرند.

همانطور که ذکر شد ایران در چشم‌انداز به دنبال دستیابی به قدرت اول اقتصادی، علم و فن‌آوری در منطقه است. با توجه به اهداف کلیدی منطقه یعنی عربستان و ترکیه، چنانچه ایران بدنبال برتری و تفوق اقتصادی در منطقه باشد باید تولید ناخالص داخلی ایران به عنوان شاخص قدرت اقتصادی در افق ۱۴۰۴ ه.ش به ۲۰ میلیاردی (بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار باشد. بعبارت دیگر نیازمند افزایش تولید ناخالص داخلی به ۵۰۰۰ میلیارد دلار کنونی به بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار در ۱۴۰۴ ه.ش هستیم. چرا که ترکیه و عربستان در چشم‌انداز خود هدف را به ترتیب تحقق تولید بالغ بر ۲۰۰۰ و ۱۵۰۰ میلیارد دلار قرار داده‌اند. بر همین ترکیه قرار گرفتن در بیت ده اقتصاد برتر دنیا را برای چشم‌انداز ۲۰۲۳ میلادی هدف گذاری کرده است. از اینرو باید هدف برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کاهش رتبه قدرت اقتصادی ایران از ۱۲ ام جهان به رتبه ۱۰ ام دنیا باشد که نیازمند خیزش و جهاد اقتصادی و رفع مشکلات و محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های بالقوه است. همچنین برای کسب قدرت اول اقتصادی در منطقه نیازمند افزایش سطح رفاه اقتصادی در کشور هستیم و براساس شاخص‌های رفاه در بین کشورهای منطقه باید به نحوی برنامه‌ریزی گردد که سطح رفاه از حدود ۱۰۸۲۳ دلار (به قدرت برابری خرید) سال ۲۰۱۰ میلادی به بالغ بر ۲۵ هزار دلار در ۲۰۲۵ میلادی ارتقاء یابد.

در جدول زیر بصورت خلاصه سعی شده است تصویری از اهداف مدنظر رقibای منطقه آورده شود. درضمن کشور امارات متحده عربی به عنوان کشوری که دو برخی از شاخصهای اقتصادی هدفگیری قابل توجهی دارد آورده شده است. همانطوریکه از آمار و اطلاعات جدول مشخص است رقابت اقتصادی با رقibای کلیدی منطقه نیازمند عزم جدی و برنامه ریزی مدبرانه است.

اهداف اقتصادی ایران در افق سند چشم انداز با توجه به وضعیت کشورهای منطقه

عنوان شاخص	ترکیه ۲۰۲۳	عربستان ۲۰۲۵	امارات ۲۰۱۵	ایران ۲۰۲۵
نرخ رشد اقتصادی (درصد)	۷	۶۶	۱۱	۸
تولید ناخالص داخلی (جاری) میلیارد دلار	۲۲۰۰	۱۵۰۰	-	۲۰۰۰
درآمد سرانه (دلار)	۲۵۰۰۰	۲۶۰۰۰	۴۴۰۰۰	۲۵۰۰۰
نرخ بیکاری (درصد)	۵	۰	-	۵
نرخ تورم (درصد)	۸.۶ (۲۰۱۳)	۴.۵ (۲۰۱۲)	۰.۹ (۲۰۱۱)	۲۷.۳ (۲۰۱۲)
مالیات به تولید (درصد)	-	-	-	۱۵-۲۰
صادرات کالا و خدمات به تولید	۶۰	۸۰	۴۰	۴۰
سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید (درصد)	۱۱ (۲۰۱۲)	۶۸ (۲۰۰۰-۲۰۱۱)	۲.۱ (۲۰۱۱)	۰.۸ (۲۰۱۲)
رشد بهره وری کل عوامل تولید	۲	-	-	۲۵
شاخص فلاکت	۱۰	۵	-	۱۰

با این حال درکنار رقibای اصلی یعنی ترکیه و عربستان، سه کشور مورد نظر سند چشم انداز بیست ساله نظام دربرگیرنده کشورهای دیگری از آسیای جنوب غربی است. در واقع این منطقه با وسعتی حدود ۱۲ میلیون کیلومتر شامل ۲۵ کشور مرکب از: کشورهای خلیج فارس شامل امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عربستان سعودی، عمان، قطر و یمن؛ حوزه خاورمیانه مرکزی شامل ایران، ترکیه، سوریه، عراق، فلسطین، قبرس، مصر و رژیم اشغالگر؛ آسیای مرکزی شامل ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان و قزاقستان؛ حوزه قفقاز شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و حوزه غربی شبه قاره شامل افغانستان و پاکستان است (رضایی میرقائد و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵). در رویکرد اقتصادی به مسائل، برخی از کشورهای پیش گفته از اهمیت بیشتری برخوردارند. در ادامه نگاهی اجمالی بر کشورهای حوزه سند چشم انداز خواهیم داشت.

عربستان: پادشاهی عربستان سعودی با وسعتی بالغ بر ۲۱۴۹ هزار کیلومتر، دومین کشور بزرگ در غرب آسیا به شمار می‌رود. این کشور دارای منابع غنی زیرزمینی بوده و با ۵۷۷ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی (رتبه ۲۰ بزرگترین اقتصادهای جهان)، از قدرت‌های اقتصادی و مالی منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. جمعیت این کشور بیش از ۲۷ میلیون نفر و درآمد سرانه هر کدام بالغ بر ۲۰ هزار دلار بوده است. عربستان از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت دنیا بوده و از جمله اقتصادهای نفتی خاورمیانه به شمار می‌رود. علاوه بر نفت و گاز، به دلیل واقع شدن کعبه در عربستان، این کشور از بزرگترین قطب‌های گردشگری دینی در جهان قلمداد می‌شود.

امارات متحده عربی: این کشور با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر، وسعتی قریب به ۸۳ هزار کیلومتر مربع، منابع غنی زیرزمینی و با ۳۶۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و پیشرفت‌های سریع و رشد قابل توجهی که در طول سال‌های گذشته داشته، خود را به یکی از کشورهای روبه رشد منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل کرده است. جمعیت امارات در سال ۲۰۱۱ بیش از ۸/۳ میلیون نفر بوده که درآمد سرانه آن بیش از ۶۷ هزار دلار محاسبه شده است. از این نظر، امارات پنجمین کشور جهان به شمار می‌رود.

بحرین: بحرین در سال ۱۹۷۱ از ایران استقلال یافت. بحرین اولین کشور حوزه خلیج فارس است که نفت در آن اکتشاف شده و ولی سنت نفت و گاز آن بسیار محدود است، اقتصاد سنتی بحرین وابسته به مروارید بوده اما در حال حاضر بیشتر درآمد ساکنان بحرین از بانکداری و گردشگری تأمین می‌گردد. جمعیت بحرین ۱/۲ میلیون نفر و مساحت آن ۷۶۵ کیلومتر مربع می‌باشد. تولید ناخالص داخلی بحرین در سال ۲۰۱۱ بیش از ۲۶ میلیارد دلار بوده که درآمدی بالغ بر ۲۳ هزار دلار را عاید شهروندان این کشور نموده است. رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۱ برابر با ۱/۵ درصد بوده و از این نظر در جایگاه ۱۵۱ جهان قرار داشته است.

کویت: امیرنشین کویت با مساحتی در حدود ۱۸ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی حدوداً دو میلیون نفر در شمال شبه جزیره عربستان و شمال غربی خلیج فارس قرار گرفته است. از آنجا که فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره پیرامون شهر کویت می‌چرخد، انتظار مساحت و جمعیت می‌توان مفهوم کشور-شهر را بر کویت اطلاق کرد. کویت با وجود وسعت کم یکی از بزرگترین کشورهای تولیدکننده نفت جهان است. عایدات نفتی مهمترین مؤلفه درآمدهای دولت کویت به شمار می‌رود. ذخایر نفتی این کشور ۷۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که بیش از سه برابر ذخایر نفتی ایالات متحده آمریکا و ۱۰ درصد از کل ذخایر نفتی جهان است. کویت بیش از ۳/۵ میلیون نفر جمعیت داشته و تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۷۶ میلیارد دلار در

سال ۲۰۱۱ بوده است. درآمد سرانه برای هر کویتی بیش از ۴۷ هزار دلار محاسبه شده که از این نظر ۱۵امین کشور جهان از نظر درآمد سرانه بالا به شمار می‌رود.

عمان: سلطان نشین عمان با مساحتی بالغ بر ۳۰۹ هزار کیلومتر مربع، در شرق شبه جزیره عربستان قرار دارد. جمعیت این کشور ۲/۷ میلیون نفر که از این نظر در رتبه ۱۴۰ کشورهای جهان قرار دارد. تولید ناخالص داخلی عمان در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۷۲ میلیارد دلار بوده است. این کشور در همین سال، رشد اقتصادی ۴/۴ درصدی را تجربه نموده است. درآمد سرانه در این کشور بالغ بر ۲۳ هزار دلار در سال بوده است.

قطر: قطر شبه جزیره‌ای کوچک واقع در شبه جزیره عربستان است که خلیج فارس آن را از غرب و شمال و شرق بر گرفته است. مساحت این کشور حدوداً ۱۱ هزار کیلومتر و جمعیت بیش از ۱/۷ میلیون نفر است که بیش از دو سوم آن را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند. منبع درآمد ارزی قطر، صادرات نفت و گاز است. این کشور سومین دارنده ذخایر گاز پس از روسیه و ایران بوده و اقتصاد آن کاملاً وابسته به نفت است. تولید ناخالص داخلی قطر در سال ۲۰۱۱ برابر با ۱۷۳ میلیارد دلار بوده که درآمد سرانه بیش از ۹۸ هزار دلار برای هر قطری را به دنبال داشته و این کشور را دومین کشور با درآمد سرانه بالا با این علاه بر این درآمد، اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۱ با ۱۸/۷ درصد، بالاترین میزان رشد اقتصادی را در جهان داشته است.

یمن: جمهوری عربی یمن در جنوب شبه جزیره عربستان واقع شده است. این کشور بالغ بر ۵۲۷ هزار کیلومتر مربع گستردگی داشته و ۵۵امین کشور وسیع جهان به شمار می‌رود. تولید ناخالص داخلی آن بیش از ۳۳ میلیارد دلار بوده که تولید ناخالصی ۳۴/۵ میلیون نفری به انجام رسیده است. درآمد سرانه این کشور بر خلاف اغلب کشورهای عربی بسیار پایین بوده و در حدود ۱۴۰۰ دلار می‌باشد. این کشور از رشد اقتصادی نامطلوبی نیز برخوردار بوده و با توجه به اتفاقات سیاسی رخ داده در این کشور در سال ۲۰۱۱ رشد منفی ۲/۵ درصد را تجربه نموده است.

سوریه: جمهوری عربی سوریه کشوری با مساحت ۱۸۵ هزار کیلومتر مربع در جنوب غرب آسیا و سواحل شرقی دریای مدیترانه است. اقتصاد سوریه بر سه پایه صنایع، کشاورزی و تجارت بنا شده که صنعت نفت و گاز و نیز گردشگری از اهمیت فراوانی در آن برخوردار است. جمعیت سوریه بر ۲۱/۶ میلیون نفر بالغ می‌شود. تولید ناخالص داخلی آن ۵۹ میلیارد دلار و درآمد سرانه هر سوری برابر با ۲۸۰۰ دلار در سال ۲۰۱۱ بوده است. این کشور نیز در پی بروز بحران سیاسی در سال ۲۰۱۱ از اوضاع اقتصادی چندان مناسبی برخوردار نبوده و رشد اقتصادی آن در سال ۲۰۱۱ به منفی ۲ درصد سقوط کرده است.

عراق: عراق کشوری است با قومیت‌های گوناگون و $۳۳/۳$ میلیون نفر جمعیت که در غرب آسیا و در همسایگی غربی ایران قرار گرفته است. اقتصاد عراق نیز مانند دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس متکی به اقتصاد نفت است. صنعت گردشگری در عراق نیز به خاطر وجود برخی اماکن مهم مذهبی شیعیان، نقش قابل توجهی را در اقتصاد عراق برعهده دارد. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار بوده که درآمد سرانه ۳۵۰۰ دلاری را نتیجه داده است. علیرغم اوضاع نامناسب سیاسی در عراق، اقتصاد این کشور در ۹/۶ درصد رشد داشته و در این نظر در میان ۵ اقتصاد اول جهان جای داشته است.

رتبه ۱۸ اشغالگر قدس: تنها کشور عمدتاً یهودی جهان به شمار می‌رود که در غربی‌ترین نقطه آسیا قرار دارد. مساحت این کشور حدود ۲۱ هزار کیلومتر مربع جمعیت آن $۷/۸$ میلیون نفر می‌باشد. تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۱۱ برابر با ۳۴۲ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۴/۸ درصد رشد داشته است. درآمد سرانه هر اسرائیلی نزدیک به ۳۲ هزار دلار در سال برآورد شده است که در این نظر بین کشور جهان محسوب می‌شود. شاخص توسعه انسانی این کشور ۰/۸۸۸ بوده و ۱۷/۱ درصد این کشور جهان از نظر این شاخص به شمار می‌رود.

ترکیه: جمهوری ترکیه با جمعیت حدود ۷۵ میلیون نفر و ۷۷۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، رتبه ۱۸ بزرگترین اقتصادهای جهان و یکی از قدرت‌های اقتصادی منطقه آسیای جنوب غربی محسوب می‌شود. مساحت این کشور ۷۸۳ هزار کیلومتر مربع بوده و کشوری اروپایی - آسیایی به شمار می‌رود. اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۱ بیش از ۸/۵ درصد رشد داشته که این نرخ، ترکیه را در زمره ۱۰ کشور دارای بیشترین نرخ رشد جای داده است. ترکیه در دو دهه اخیر با اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی مورد توجه بین‌المللی پول به تدریج در مسیر باز کردن اقتصاد خود گام برداشته است. امروزه این کشور در زمره اقتصادهای باز به شمار می‌رود؛ اما دولت در اقتصاد نقش مهمی ایفا می‌نماید. اقتصاد ترکیه به تدریج پیچیده‌ای از صنعت و تجارت مدرن در کنار بخش کشاورزی سنتی می‌باشد. نرخ رشد اقتصاد ترکیه در طول سال‌های اخیر همواره بیش از ۶ درصد بوده و موفقیت این کشور در کاهش نرخ تورم، تثبیت متغیرهای اقتصاد کلان و تشویق کسب و کار را به دنبال داشته است. نقش بخش خصوصی در اقتصاد این کشور به سرعت در حال افزایش بوده است. مهمترین بخش صنعتی این کشور مربوط به صنعت قساجی و پوشاک می‌باشد که بالاترین نرخ اشتغال صنعتی را به خود اختصاص داده است. در حال حاضر درآمد سرانه هر ترک، سالانه بیش از ۱۰ هزار دلار می‌باشد.

قبرس: کشوری جزیره‌ای است، در شرق دریای مدیترانه که پایتخت آن نیکوزیا است.

این کشور به دو بخش قبرس شمالی (ترک نشین) و بخش یونانی نشین تقسیم می شود که در آن هردو زبان ترکی و یونانی رسمی هستند. جمهوری قبرس از اعضای اتحادیه اروپا بوده و از جمله نقاط گردشگرپذیر مدیترانه به شمار می رود. این کشور ۹ هزار کیلومتر مربعی مکان زندگی بیش از ۸۴۰ هزار نفر را فراهم آورده است. تولید ناخالص داخلی این کشور ۲۵ میلیارد دلار و درآمد سرانه هر قبرسی برابر با ۳۰ هزار دلار بوده است. قبرس در سال ۲۰۱۱ رشد اقتصاد نداشته و تولید ناخالص آن نسبت به سال قبل تغییری نکرده است.

آذربایجان: جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در غرب دریای خزر استقلال یافته و از سال ۲۰۰۱ به عضویت شورای اروپا درآمده است. مساحت این کشور ۸۶ هزار کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن ۹/۲ میلیون نفر می باشد. جمهوری آذربایجان در مقایسه با جمهوری های تازه استقلال یافته اطراف خود در اثر بهره برداری از منابع نفتی رشد بهتری تجربه نموده است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۱ با ۲/۰ درصد رشد به ۶۲ میلیارد دلار رسیده است. علاوه بر این، بخش انرژی برای آذربایجان، این کشور در سال ۲۰۱۰ میزبان بیش از ۲/۵ میلیون گردشگر بوده است. از نظر اقتصادی نیز تأثیر به سزایی در رشد اقتصادی این کشور داشته است. درآمد سرانه آذربایجان در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۶۸۰۰ دلار بوده است.

ارمنستان: جمهوری ارمنستان تنها کشوری است که بین دریای سیاه و دریای خزر قرار دارد که مرز میان آسیا و اروپا محسوب می شود. این کشور ۲۹ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۳/۳ میلیون نفر جمعیت دارد. تولید ناخالص داخلی این کشور تنها ۱۰ میلیارد دلار بوده و درآمد سرانه هر فرد در این کشور تقریباً ۳۳۰۰ دلار بوده است. اقتصاد ارمنستان اندازه زیادی به سرمایه گذاری و پشتیبانی ارمنیان خارج از کشور وابسته است. اقتصاد این کشور بیشتر به واسطه ساختار کمونیستی به اقتصاد آزاد، اصلاحات فراوانی را در پیش گرفته است. مهمترین محرک رشد این کشور را باید وابستگی آن به انرژی خارجی دانست.

گرجستان: جمهوری دموکراتیک گرجستان، کشوری در شرق اروپا در منطقه قفقاز می باشد. مساحت این کشور بیش از ۶۹ هزار کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن بر ۱/۶ میلیون نفر بالغ می گردد. تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۴ میلیارد دلار و درآمد سرانه آن ۳۲۰۰ دلار می باشد. این کشور از نظر تولید ناخالص ۱۶۶ امین و از نظر درآمد سرانه ۱۱۵ امین کشور جهان به شمار می رود.

مصر: جمهوری عربی مصر در شمال شرقی قاره آفریقا و در جنوب دریای مدیترانه قرار داشته و کشوری آسیایی- آفریقایی به شمار می رود. کشور مصر با جمعیتی حدود ۸۲ میلیون نفر،

وسعتی بالغ بر ۱۰۰۱ هزار کیلومتر مربع و با ۲۳۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، از قدرت‌های اقتصادی منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. اقتصاد مصر یکی از متنوع‌ترین منابع درآمدی را در کشورهای خاورمیانه داراست و بخش‌های گردشگری، کشاورزی، صنعت و خدمات هر یک به نسبتی تقریباً مساوی در تولید داخلی این کشور سهم دارند. اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۱ توانست علیرغم بحران سیاسی داخلی، ۱/۲ درصد رشد داشته باشد. شاخص توسعه انسانی در مصر ۰/۶۲۰ بوده و جزو کشورهای با شاخص توسعه انسانی متوسط به شمار می‌رود. درآمد سرانه هر مصری نیز در حدود ۳۰۰۰ دلار در سال برآورد شده است.

افغانستان: جمهوری ازبکستان، کشوری است که با ۴۴۷ هزار کیلومتر مربع مساحت، در آسیای میانه جای گرفته است. این کشور در سال ۱۹۹۱ از اتحاد جماهیر شوروی استقلال پیدا نمود. این کشور با ۴۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، ۷۸مین کشور جهان از نظر تولید محسوب می‌شود. رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۱ تجربه نموده ۷/۱ بوده و این کشور را باید در زمره اقتصادهای با رشد بالا در نظر گرفت. با این حال، درآمد سرانه این کشور ۱۶۰۰ دلار می‌باشد که در میان کشورهای منطقه رقم چندان بالایی به شمار نمی‌رود.

تاجیکستان: جمهوری تاجیکستان، کشوری در آسیای میانه است که محصور در خشکی بوده و هیچگونه راه آبی ندارد. در گذشته زیر پرچم شوروی و پس از آن روسیه به شمار می‌رفته، از این کشور گذر می‌کرده است. این کشور نیز همانند جمهوری‌های سابق شوروی در سال ۱۹۹۱ از این اتحاد جدا شده و اعلام استقلال نموده است. تاجیکستان از فقیرترین کشورها در میان جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی بوده و تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۱ تنها ۶/۵ میلیارد دلار بوده است که با توجه به جمعیت ۷/۸ میلیون نفری، درآمد سرانه ۸۳۰ دلار عایدی نداشته است.

ترکمنستان: جمهوری ترکمنستان تا سال ۱۹۹۱ با نام جمهوری شورایی ترکمنستان یکی از جمهوری‌های تشکیل دهنده اتحاد شوروی بود. این کشور ۴۸۸ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۵/۱ میلیون نفر جمعیت دارد. ترکمنستان کشور دارای منابع عظیم گاز طبیعی است که آن را به کشورهای مختلف صادر می‌کند. رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۱ به میزان ۱۰/۱ درصد آمار آژانس اطلاعات مرکزی امریکا، ۹/۹ درصد بوده و این کشور را چهارمین کشور دارای رشد اقتصادی سریع جهان نصوده است. تولید ناخالص داخلی این کشور برابر با ۲۵/۵ میلیارد دلار و درآمد سرانه آن در حدود ۴۷۰۰ دلار بوده است. این کشور نیز به آب‌های آزاد دسترسی نداشته و برای ترانزیت کالا از خاک کشورهای همسایه استفاده می‌کند. خط آهن ترکمنستان به شهر سرخس متصل است و از آنجا تا بندرعباس امتداد دارد.

قرقیزستان: این جمهوری استقلال یافته از شوروی، بیش از ۱۹۹ هزار کیلومتر مربع وسعت داشته و ۸۷میلیون نفر جمعیت این کشور به شمار می‌رود. جمعیت این کشور بالغ بر ۵/۵ میلیون نفر می‌باشد که بیش از ۸۰ درصد آنان مسلمان هستند. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۱ با ۷ درصد رشد، به ۶ میلیارد دلار رسیده است. این کشور با ۱۰۰۰ دلار درآمد سرانه جزو کشورهای با درآمد پایین به شمار می‌رود.

قزاقستان: جمهوری قزاقستان با ۱۷ میلیون نفر جمعیت، ۲۷۱۷ هزار کیلومتر مربع وسعت، ۱۶/۱ میلیون نفر جمعیت بزرگترین کشور منطقه آسیای جنوب غربی از نظر وسعت است. منابع طبیعی زیرزمینی و قدرت صنعتی این جمهوری در منطقه، آن را به یک قدرت اقتصادی در منطقه تبدیل کرده است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۷۸ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۶/۵ درصد رشد نشان می‌دهد. درآمد سرانه در این کشور نیز بیش از ۶۰ هزار دلار می‌باشد.

افغانستان: جمهوری اسلامی افغانستان کشوری محصور در خشکی در آسیای میانه است. این کشور ۶۵۲ هزار کیلومتر وسعت و ۲۵/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. افغانستان یکی از کشورهای فقیر و با نرخ توسعه پایین و یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. در سال ۲۰۱۱ تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۸ میلیارد دلار درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی آن نیز به ۵۸۵ دلار رسیده است. این ارقام در حالی به دست آمد که اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۱ بیش از ۷/۱ درصد رشد را تجربه نموده است.

پاکستان: جمهوری اسلامی پاکستان با جمعیتی ۱۸۰ میلیون نفر، ششمین کشور پر جمعیت دنیا به شمار می‌رود. این کشور ۸۸۲ هزار کیلومتر وسعت داشته و تنها کشور اسلامی دارنده جنگ‌افزار هسته‌ای می‌باشد. این کشور در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۲۱ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشته که نسبت به سال قبل ۲/۴ درصد رشد نشان می‌دهد. این کشور با ۱۲۰۰ دلار از نظر درآمد سرانه در جایگاه ۱۴۸ جهان قرار دارد.

ایران: جمهوری اسلامی ایران نیز با ۷۵ میلیون نفر جمعیت و ۱۶۴۸ هزار کیلومتر مربع وسعت یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۴۸۲ میلیارد دلار (۲۵میلیون اقتصاد بزرگ جهان) به قیمت جاری تولید ناخالص داخلی) بوده و درآمد سرانه هر ایرانی به ۶۳۰۰ دلار (۷۹میلیون کشور جهان) رسیده است. نرخ رشدی که اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۱ تجربه نموده ۲/۵ درصد بوده و از این نظر کشور ۱۲۴م جهان در رشد اقتصادی بوده است.

لازم به ذکر است که آمار ارائه شده برگرفته از جدیدترین تجدید نظر صندوق بین‌المللی پول از اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۲ بوده و برخی از اطلاعات مربوط به تولید ناخالص داخلی کشورها در متن گزارش با اعداد مذکور متفاوت می‌باشد.

با توجه به اهمیت جایگاه منطقه‌ای و تلاش برای کسب جایگاه ممتاز و تاثیرگذاری بیشتر بر روابط بین‌المللی، در میان کشورهای منطقه نیز فرایند تحول در حوزه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی مد نظر بوده و کشورهای مذکور، برنامه‌هایی برای نیل به اهداف مشخص تدوین و به اجرا درآورده‌اند. در برخی از موارد کشورها سندی برای چشم‌انداز بلندمدت خود نیز تدارک دیده‌اند. تیریت جایگاه منطقه‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز تاثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی، در هدف کلیدی در برنامه‌های بلند مدت کشورهای منطقه محسوب می‌شود. در این میان کشورهای ترکیه و عربستان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در بسیاری از مطالعات به عنوان مبنای اصلی ایران در سند چشم‌انداز در نظر گرفته می‌شود. این دو کشور نیز همانند ایران دارای چشم‌انداز بلند مدت بوده و از سال‌ها پیش در پی دستیابی به اهداف مشخص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند. در ادامه بصورت اجمالی برنامه‌های بلندمدت این دو کشور مرور می‌گردد:

ترکیه: چشم‌انداز ۲۰۲۳

همانگونه که بیان شد ترکیه به عنوان یکی از کشورهای منطقه جزو رقبای ایران در سند چشم‌انداز به شمار می‌رود. جمهوری ترکیه با ارزش افزوده اقتصادی خود که در طول تاریخ ۸۱ ساله خود مرتباً پیشرفت داشته و موفق شده تا به مقام هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان دست پیدا کند، ولی نتوانسته است در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی به همین مقام برسد. از این جهت این کشور نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه با طراحی یک «برنامه استراتژیک درازمدت توسعه» در قالب چشم‌انداز ۲۰۲۳ (یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه)، هدف اصلی خود را تبدیل شدن به کشوری پیشرفته و قرارگرفتن در زمره اقتصاد اول دنیا در سال ۲۰۲۳ تعیین نموده است. بدین منظور برنامه‌ریزی‌های مختلف و جمع‌بندی سال‌های گذشته پیرامون نحوه نیل به این مهم طراحی و به اجرا درآمده است. چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ برای ترکیه به صورت زیر تعریف شده است:

«ارتقاء ترکیه به سطح یک کشور توسعه یافته؛ ارزش افزوده اقتصادی، جمعیت، بازرگانی، توسعه انسانی و فناوری سازگار با شرایط جهانی و ارتقاء آنها؛ و ساختن جایگاه جهانی ترکیه بر مبنای مدل ترکیه چندجانبه»

بر این اساس ترکیه همزمان با سالگرد ۱۰۰ سالگی تاسیس نظام جمهوری در این کشور، اهداف مشخصی را در بخش‌های مختلف دنبال خواهد نمود. از جمله مهمترین این اهداف می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- قرار گرفتن در میان ۱۰ اقتصاد بزرگ جهان؛
 - قیل به تولید ۱۰۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۴ و ۲۰۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۳؛
 - افزایش صادرات ترکیه به ۵۰۰ میلیارد دلار و کل تجارت به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال؛
 - نس به درآمد سرانه ۲۵ هزار دلار؛
 - کاهش نرخ بیکاری به ۵ درصد؛
 - احداث ۲۰۰۰ مگاوات ظرفیت نصب شده برای انرژی بادی و ۶۰۰ مگاوات برای انرژی زمین گرایی؛
 - احداث حداقل ۳۰۰۰ راه هوایی؛
 - عضویت در اتحادیه اروپا؛
 - ایفای نقش موثر در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی؛
 - ایفای نقش تعیین کننده در نهادهای بین‌المللی و مطرح شدن به‌عنوان یکی از ۱۰ کشور قدرتمند جهان؛
 - عضویت همه اتحاد جامعه در نظام سلامت؛
 - احداث ۶۱ هزار کیلومتر راه آهن و توسعه بزرگراه‌های ترابری؛
 - احداث ۱۵ هزار کیلومتر بزرگراه دو طرفه؛
 - احداث یکی از ۱۰ بندر بزرگ جهان؛
 - ساخت هواپیما و ماهواره داخلی؛
 - کسب بیش از ۵۰ میلیارد دلار از طریق گردشگری.
- در حال حاضر برنامه نهم توسعه ترکیه (۲۰۱۳-۲۰۰۷) در دست اجرا می‌باشد. این برنامه را می‌توان طرحی برای «استقرار ثبات، توسعه عدالت، هم‌سویی با رقابت‌پذیری جهانی، دنیای اطلاعات» دانست که عضویت این کشور در اتحادیه اروپا، در چشم‌انداز بلندمدت را تسهیل خواهد نمود. چشم‌انداز بلندمدت «ترکیه قرن ۲۱» که دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۳ را در بر می‌گیرد در پی تأمین زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه بلند مدت ترکیه را شناسایی و مد نظر قرار داده است.

در این مسیر، رفع بزرگترین مشکلات اقتصادی کشور ترکیه که در درجه اول بی‌عدالتی در توزیع درآمد و از بین بردن موانع در جهت افزایش استانداردهای زندگی عمومی ترکیه و ارتقای موقعیت استراتژیک و اجرای چشم‌انداز توسعه صنعتی می‌باشد، از اولویت برخوردار است.

عربستان سعودی: چشم‌انداز ۲۰۳۵

در سمپوزیومی که در اکتبر سال ۲۰۰۳، توسط وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی با همکاری وزارتخانه‌ها و دیگر مقامات دولتی سازمان یافته بود، چشم‌انداز ۲۰۲۵ عربستان سعودی با دو هدف اصلی ارتقای رفاه و کامیابی مادی (دو برابر شدن تولید ناخالص داخلی سرانه در ۲۰۲۵ نسبت به سال ۲۰۰۵) و بهبود کیفیت زندگی همراه با تداوم سنت‌های فرهنگی تعیین شد.

استراتژی توسعه ملی عربستان سعودی تا سال ۲۰۲۵ در جهت اقتصاد متنوع و مرفه بوده که وجود فرصت‌های اقتصادی ضمانت داشته باشد و سطوح بالاتری از رفاه اقتصادی، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی برای عموم و تجهیز نیروی کار با مهارت کافی برای شهروندان عربستان سعودی، یا حفظ ارزش‌های دینی و میراث فرهنگی تأمین گردد.

استراتژی چشم‌انداز ۲۰۲۵ در پنج محور اصلی سازماندهی شده است:

- تنوع اقتصادی؛
- توسعه منابع انسانی؛
- گسترش خدمات عمومی مورد نیاز برای حمایت از این اهداف؛
- ترویج و گسترش بخش خصوصی به عنوان یک شریک کلیدی در اجرای چشم‌انداز ۲۰۲۵؛

— ساده‌سازی و نوسازی ساختار بخش دولتی برای برپایی با چالش‌های پیاده‌سازی اهداف با استفاده از ظرفیت‌ها و زمینه موجود بین‌المللی.

از چالش‌های اصلی برای عربستان سعودی، اقتصادهای در حال ظهور مانند چین، هند و برزیل است که به سرعت به عنوان قدرت‌های بزرگ صنعتی مطرح می‌شوند. همچنین ایجاد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های چشمگیر در فناوری و اقتصاد دانش از قبیل فناوری اطلاعات و ارتباطات، بیوتکنولوژی، داروسازی و هوافضا است. تغییر مبنای رونق اقتصادی از اتکای بیش از حد به موقوفات و منابع طبیعی، به تسلط بر فناوری‌های مبتنی بر دانش در طول ۱۵ سال آینده یا بیشتر و ایجاد رقابت صنعتی و تیل به استانداردهای بین‌المللی که رفته رفته ارتقا می‌یابد نیز در چشم‌انداز عربستان از اهمیت برخوردار می‌باشد.

فرض اساسی این است که در چشم‌انداز ۲۰۲۵ فناوری‌های جدید تولید حیاتی است و

پیشرفت‌های آینده عربستان سعودی مدیون فناوری‌های جدید برای گسترش و افزایش نوآوری است که هر دو برای موفقیت در اقتصاد جهانی در حال ظهور ضروری بوده و به حرکت از محصولات کم ارزش افزوده به ارزش افزوده بالاتر و افزایش صادرات منجر می‌گردد. رشد و تغییرات تکنولوژیکی در کشاورزی، تأمین منابع مالی، ساخت و ساز و خدمات مدرن از جمله مدیریت کیفیت محیط زیست نیز اهمیت بالایی دارد. تعامل مثبت در ارتباطات خارجی نیز برای کسب مهارت‌ها و قابلیت توسعه سریع‌تر و بهتر خواهد بود.

سوی دیگر، تجربه کشورهای پیشرفته نشان داده است که پیشرفت اقتصادی و توسعه سرمایه انسانی دو روی یک سکه هستند و با ارتقای سریعتر سرمایه‌های انسانی (با مهارت و توانایی‌های فنی، مبتنی و نوآورانه) در افراد، شرکت‌ها و جامعه به عنوان یک کل، به معنای بالا بردن سرعت در توسعه است. ایجاد توانایی از طریق فرایندهای مختلف یادگیری، در چشم‌انداز ۲۰۲۵ در اندازه‌های زیر است:

- بالا بردن سطح آموزش‌های فنی و علمی در مدارس و دانشگاه‌ها؛
- افزایش مهارت‌های مدیریت و توانایی‌های ابتکاری از شرکت‌های موجود از طریق یادگیری صنعتی با تولید برای بازارهای فنی پر شتاب؛
- تشویق به گسترش فناوری مبتنی بر شرکت‌های کوچک و متوسط؛
- توسعه سیستم نوآوری ملی برای حمایت از یادگیری فناوری، نوآوری و تبادل دانش فنی بین تحقیق و توسعه مراکز و شرکت‌های خصوصی تولید کالا و خدمات؛
- حمایت و تشویق تمام شرکت‌ها برای به روی آوردن به فناوری تولید از طریق تعامل با صاحبان فناوری‌های بین‌المللی، همکاری با مراکز فناوری محلی، ویژه مدارس علوم و فناوری دانشگاه‌های عربستان سعودی، مقدمات صدور مجوز و استفاده از خدمات مشاوره داخلی و خارجی است.

این مسائل در چهارچوب اعمال مدیریت کلان بالاخص سیاست ملی سیاست‌های تجاری، گسترش رقابت و محیط زیست پایدار برای کسب و کار با توجه به هزینه‌های معاملاتی، قوانین و مقررات کسب و کار، قوانین کار و خصوصی‌سازی می‌باشد.

با توجه به مطالب بیان شده مشاهده می‌شود که کشورهای منطقه نیز همزمان با ایران برای بخش‌ها و حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی داشته و حتی اسناد راهبردی و چشم‌انداز نیز در برخی از این کشورها تدوین و به اجرا گذاشته شده است؛ از این روی عدم توجه به وضعیت فعلی کشورهای منطقه در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز غفلت از فرایند تحول در

کشورهای مذکور، همچون مسابقه‌ای خواهد بود که فرد نه از نقطه شروع مسابقه خود مطلع است و نه روند حرکت و تغییر در جایگاه و وضعیت رقبا را مشاهده می‌کند. در این شرایط فرد را نمی‌توان حتی واجد شرایط حداقلی مسابقه دانست، چه رسد که جایگاه نخست را برای هوی متصور بود.

با تبیین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، دستیابی به جایگاه ممتاز منطقه‌ای در اولویت سیاست‌ها و برنامه‌های نهادهای مختلف کشور قرار گرفته است. برنامه‌ریزی درازمدت به شکل مطلوب برای اقتصاد ایران برای آینده کشور در قالب سند چشم‌انداز بیست ساله ارائه شده است. اما در مسیر رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز همواره این سوال مطرح است که جایگاه نخست منطقه چگونه قابل محاسبه و دستیابی می‌باشد؟

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، شناسایی جایگاه منطقه‌ای یک کشور، فرایندی ایستا و تک بُعدی نبوده و در مسیر حرکت به این هدف مهم، نیازمند شناسایی پویا، برنامه‌ریزی پویا و دیدی پویا باشد. تغییرات روزافزون در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف، منجر به تغییرات گسترده در وضعیت و جایگاه منطقه‌ای آنها می‌گردد. شناسایی تغییرات در کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، اولین گام در راستای حرکت به جایگاه ممتاز واقع در منطقه به شمار می‌رود. چراکه هرگونه برنامه‌ریزی صحیح، مستلزم آگاهی از وضعیت فعلی کشور در میان رقبای منطقه‌ای دارد و این وضعیت و جایگاه مداوم در حال تغییر می‌باشد. بنابراین فرایند ارزیابی جایگاه منطقه‌ای کشور امری پویا بوده و غفلت از این موضوع تلاش‌های صورت گرفته در حال بعدی را نیز بی ثمر خواهد نمود. گام بعدی در مسیر فتح جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، برنامه‌ریزی پویا با توجه به وضعیت فعلی کشور و نیز جایگاه سایر کشورهای قدرتمند منطقه می‌باشد. برنامه‌ریزی صورت گرفته باید با توجه به امکانات و ظرفیت‌های کشور بوده و مزیت‌های موجود در کشور حتماً در این میان باید لحاظ گردد. علاوه بر این موضوع برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته باید از انعطاف لازم برای تغییرات احتمالی در آینده نیز برخوردار باشد و با توجه به وضعیت سایر کشورهای منطقه، امکان تغییرات اساسی در آن در نظر گرفته شده باشد.

شناسایی وضعیت موجود و نیز برنامه‌ریزی برای مطرح شدن به عنوان قدرت منطقه‌ای، بدون در نظر گرفتن مکانیزم لازم برای دیده‌بانی فرایند تغییر در بخش‌های مختلف، با مشکلات جدی مواجه خواهد بود. دیده‌بانی مسیر حرکت نیز فرایندی پویا بوده و نتایج حاصل از آن نقش هدایت‌گر در برنامه‌ریزی‌ها را بر عهده خواهد داشت. دیده‌بانی و پایش مستمر، میزان موفقیت یا

شکست سیاست‌های اجرا شده را نمایان ساخته و عنصر اصلی در پویایی مسیر حرکت به سمت اهداف مطرح در سند چشم‌انداز خواهد بود.

با توجه به این موضوع، تلاش‌های گسترده‌ای برای تعیین اهداف کمی و قابل سنجش در حوزه‌های مختلف انجام گرفته و شاخص‌های متنوعی شناسایی و در مواردی نیز استخراج شده است. مهمترین هدف از تعریف و محاسبه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی که با استفاده از متغیرهای مختلف محاسبه می‌گردند، ارزیابی وضعیت بخش‌های مختلف جامعه و تعیین میزان موفقیت در شکست‌های برنامه‌های اتخاذ شده در آن بخش‌ها می‌باشد. با گسترده‌تر شدن و تخصصی‌تر شدن بخش‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی، تعدادی روش‌های مختلفی برای محاسبه شاخص‌ها نیز طراحی و مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده دیگری که از این نوع شاخص‌ها می‌شود، پیمایش وضعیت کشورهای مختلف از نظر این نوع از شاخص‌ها می‌باشد. به همین منظور بسیاری از این شاخص‌ها، توسط نهادهای بین المللی مورد محاسبه قرار گرفته و به طور روزافزونی به کار گرفته می‌شوند. اشاره مجدد به این موضوع خالی از لطف نخواهد بود که قرار گرفتن در راستای اهداف چشم‌انداز، نیازمند رصد دائمی وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای مرتبط با آن است که این امر از طریق بررسی و تحلیل وضع موجود و ارائه پیش‌بینی‌ها بر اساس آن، امکان‌پذیر است.

در راستای بررسی جایگاه ایران در شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، گزارش‌هایی در کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط متخصصین حوزه‌های مختلف تهیه شده است. این گزارش‌ها با توجه به اهمیت این شاخص‌ها از جایگاه فعلی ایران در شاخص‌های مختلف در میان کشورهای منطقه طراحی و به کار درآمده است. این گزارش‌ها دو هدف مهم که مطابق با وظایف کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده را در اولویت خود قرار داده است. اولین هدف با توجه به اصل «شناسایی» به بررسی جایگاه فعلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران در میان کشورهای منطقه در دستور کار بوده است. در این راستا، حوزه‌ها و شاخص‌های مختلفی معرفی و جایگاه جهانی و منطقه‌ای ایران در این شاخص‌ها با توجه به معتبرترین آمارهای موجود تبیین شده است. جایگاه فعلی ایران در شاخص‌های مختلف، نتیجه سیاست‌های اجرا شده در سال‌های گذشته می‌باشد، بنابراین موفقیت یا عدم موفقیت در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، نشان دهنده درجه واقع‌بینی و جدیت در برنامه‌ریزی و اجرای آن خواهد بود.

در کنار شناسایی وضعیت موجود، امر «پیش‌بینی» و آینده‌نگری نیز برای حوزه‌های

مختلف با استفاده از سناریوهای متنوع انجام گرفته و به نوعی روند آتی شاخص‌های متنوع در حوزه‌های مختلف پیش‌بینی شده است. پیش‌بینی‌ها عمدتاً با استفاده از داده‌های موجود برای سال‌های قبل بوده و به نوعی، ادامه مسیر گذشته در سال‌های آتی نیز مد نظر قرار گرفته است. عدم دستیابی به جایگاه نخست در شاخص‌های مختلف در پیش‌بینی‌های صورت گرفته، بیانگر عدم تناسب برنامه‌ها با ظرفیت‌های کشور و یا عدم اجرای صحیح برنامه‌های تبیین شده خواهد بود. بنابراین شناسایی علل عدم موفقیت در حوزه‌های مختلف بر عهده کارشناسان و متخصصین آن بخش‌ها خواهد بود.

کتاب حاضر، جلد اول از مجموعه گزارش‌های کمیسیون نظارت پیرامون «بررسی وضعیت موجود و پیش‌بینی روند آتی شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» می‌باشد که در آن «شاخص‌های مبانی منتخب اقتصادی» مورد توجه قرار گرفته است. هر فصل از کتاب به یکی از مهمترین موضوعات اقتصادی اختصاص داده شده و طی آن به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته شده است.

گزارش‌ها شامل سناریوهای مختلف بوده و در هر فصل روش مشابهی برای بررسی جایگاه منطقه‌ای ایران در شاخص‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. هر فصل با تأکید بر اهمیت موضوع و نقش آن بخش در جایگاه اقتصادی کشور در نظام بین‌الملل آغاز می‌شود. در این بخش دیدگاه‌های کلی پیرامون موضوع و انتخاب فصل مورد توجه قرار می‌گیرد. بخش دوم هر فصل در برگیرنده مبانی نظری و ادبیات مرتبط به هر موضوع می‌باشد. در گزارش‌هایی که شاخص‌های متنوعی مورد استفاده قرار گرفته، روش بررسی شاخص‌های مذکور و نحوه محاسبه آنها به طور مفصل بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در گام بعدی، تبیین جایگاه فعلی کشورهای مختلف منطقه در شاخص‌های متنوع اقتصادی مورد بررسی بوده است. این بخش با هدف شناخت قوت‌ها و ضعف‌های اقتصادی کشورهای منطقه (به روشی تطبیقی اصلی ایران در نیل به اهداف سند چشم‌انداز) در گزارش‌ها گتجانده شده است؛ به عبارت دیگر این بخش نقطه آغاز رقابت برای قرار گرفتن در جایگاه ممتاز منطقه در شاخص‌های مختلف اقتصادی را مشخص خواهد نمود. تنها با درک جایگاهی فعلی کشور است که می‌توان هدف‌گذاری مناسبی برای بخش‌های مختلف را مد نظر قرار داده و برنامه‌ریزی لازم برای دستیابی به این اهداف را تدارک دید.

با تبیین وضعیت موجود و شناسایی جایگاه ایران در میان کشورهای منطقه، حرکت در مسیر مهمترین هدف گزارش‌ها هموارتر خواهد بود. ارزیابی «جایگاه ایران در افق سند چشم‌انداز

۱۴۰۴» در ابعاد مختلف اقتصادی، موضوعی است که در گزارش‌های مختلف به صورت جدی مورد توجه بوده است. برای پیش‌بینی جایگاه ایران در سال‌های باقی مانده از سند چشم‌انداز در شاخص‌های مختلف، سناریوهای مختلفی مورد استفاده قرار گرفته و روند تغییر شاخص‌های مختلف علاوه بر ایران، برای سایر کشورهای منطقه نیز پیش‌بینی شده است. این موضوع جایگاه منطقه‌ای ایران در منطقه را با دقت نظر بیشتری برآورد خواهد نمود. البته در مسیر انتخاب کشورهای رقیب و نیز روش‌های پیش‌بینی محدودیت‌هایی وجود داشته که مهمترین آنها بحث موجود بودن داده‌های کمی برای شاخص‌های مختلف در این زمینه بوده است. این بخش با استفاده از انداعات و آمار موجود برای کشورهای منطقه، اقدام به سناریو سازی نموده و در چند سناریوی مختلف، سناریوهای شاخص‌ها را برآورد نموده است. با استفاده از پیش‌بینی مسیر آتی هر کدام از این شاخص‌ها، جایگاه کشورهای منطقه در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) تعیین و کشورهای برتر را کسب نموده‌اند مشخص شده است.

بخش نهایی هر فصل عطف به تعیین مسیر برای دستیابی به جایگاه نخست منطقه بوده است. استفاده از سناریو سازی، کشورها، مختلف را در هر شاخص در جایگاه ممتاز منطقه پیش‌بینی نموده است؛ با استفاده از این روش به دست آمده برای شاخص‌های مختلف در کشورهایی که جایگاه نخست را در منطقه به دست خواهند آورد، میزان رشد لازم برای اقتصاد ایران برای دستیابی به جایگاه اول منطقه تعیین شده است. در این بخش مهمترین سیاست‌های پیشنهادی برای دستیابی به نرخ‌های مذکور نیز به‌طور وضعیت جاری و قرار گرفتن در مسیر دستیابی به جایگاه مصرح در چشم‌انداز ۱۴۰۴ درج شده است.

جلد اول از گزارش‌های مربوط به «بررسی جایگاه ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴» مربوط به مباحث منتخب اقتصادی بوده و ۱۰ عنوان از مهمترین اولویت‌های اقتصادی ایران انتخاب و علاوه بر بررسی مهمترین شاخص‌های آن حوزه، جایگاه فعلی ایران در مهمترین شاخص‌های آن مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

حوزه‌ها و مباحث اقتصادی که در جلد نخست مورد توجه قرار گرفته است عبارتند از: «رفاه»، «بهره‌وری»، «کسب و کار»، «مالیه عمومی»، «خصوصی سازی»، «رقابت پذیری»، «امنیت اقتصادی»، «سرمایه گذاری مستقیم خارجی»، «جهانی شدن» و «فلاکت» می‌باشد. در هر کدام از این حوزه‌ها، شاخص‌های متنوع و جامعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منتخب منطقه به صورت مبسوط بحث شده است. در جهان آینده از رقابت و پیشرفت، هر کدام از حوزه‌های مذکور دارای اهمیت فراوان بوده و روز به روز بر

اهمیت آنها افزوده می‌شود. حوزه‌های مذکور به ترتیب، فصول مختلف کتاب را تشکیل می‌دهند که در ادامه مختصری از اهمیت مباحث مذکور که دلیل انتخاب آنها برای تهیه گزارش بوده‌اند ارائه می‌گردد.

الف. رفاه

رفاه یکی از مباحث اقتصادی- اجتماعی است که از دیرباز در متون اقتصادی مورد توجه بوده. سیاست‌گذاران کشورهای مختلف، یکی از هدف‌های اصلی خود را ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی جامعه قرار داده‌اند. با توجه به لزوم نیل به اهداف ملی، شناسایی بخش‌هایی که در رفاه مناسب برخوردار بوده‌اند و نیز بخش‌هایی که دچار کاستی‌هایی در رسیدن به اهداف‌شان بوده‌اند، فیدبک به نظر می‌رسد. همچنین می‌توان با اندازه‌گیری رفاه کل جامعه، روند تغییرات آن را شاهد نمود، تا علاوه بر مشخص شدن نقاط شکست، دخالت دولت در چنین بخش‌هایی توجیه‌پذیر باشد و در کل تخصیص بهینه صورت گیرد.

شاخص‌های مختلف رفاه می‌توان بر اساس توابع رفاه فردی و اجتماعی و ابزارهای ریاضی و آماری به دو گروه عمده تقسیم نمود. برآورد شاخص رفاه در ایران می‌تواند آینه اثرگذاری سیاست‌های اعمال شده توسط برنامه‌ریزان باشد. البته رفاه تابع متغیرهای مختلفی بوده و بررسی آن از دو منظر مشکل به نظر می‌رسد: اول چون رفاه مقوله چندبعدی است و درگیر با ابعاد مختلف اقتصادی- اجتماعی مانند بهداشت، آموزش، درآمد و سایر موارد مشابه است؛ و دوم اینکه، رفاه در کل یک مفهوم مبهم غیرملموس و کاملاً نسبی می‌باشد.

با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های اصلی رفاه، میزان پیشرفت‌ها، شاخص‌های رفاه می‌باشد، بخشی از سرمایه‌گذاری و بودجه‌های، سالانه دولت، صرف برنامه‌های بنیادی رفاه اجتماعی می‌گردد. موارد بسیاری همچون تامین اجتماعی برای اقشار مختلف جامعه، بهداشت و درمان ملی، تعلیم و تربیت و ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، تامین نیازهای اولیه همچون تغذیه، مسکن، اشتغال، تحقق امنیت اجتماعی، حمایت از گروه‌های ویژه اجتماعی و مصادیق رفاه اجتماعی در دنیای امروز است که مورد توجه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران امور رفاهی- اجتماعی قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت بحث رفاه اقتصادی در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشورهای مختلف، فصل اول از کتاب حاضر به منظور بررسی و تبیین وضعیت حاضر و پیش‌بینی شاخص‌های رفاه در ایران و دو کشور مهم منطقه‌ای، یعنی ترکیه و عربستان سازماندهی شده است. این فصل شاخص‌های متنوعی از رفاه اعم از «تولید ناخالص داخلی»، «درآمد سرانه»،

«رشد اقتصادی»، «توزیع درآمد» و نیز شاخص‌های ترکیبی رفاه مانند «شاخص توسعه انسانی»، «شاخص پایداری محیط زیست»، «شاخص کامیابی» و «شاخص رفاه اجتماعی سن» مورد ارزیابی قرار گرفته است.

ب. بهره‌وری

از اهداف اصلی هر کشوری دستیابی به رشد اقتصادی بالا و رسیدن به سطوح توسعه یافتگی می‌باشد. از ضرورت‌های دسترسی به این اهداف نیز استفاده بهینه از منابع موجود در کشور را می‌توان به‌شمار آورد. بهبود و ارتقای بهره‌وری است. از اوایل دهه ۱۹۷۰ بهره‌وری یکی از مهمترین موضوعات بوده است که در سطح سازمان‌ها و در کشورها، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است.

هدف نهایی از افزایش بهره‌وری که یکی از نیروهای محرکه توسعه است، بهبود کیفیت زندگی مردم است؛ زیرا بهره‌وری عاملی کلیدی است که جامعه را قادر می‌سازد تا از طریق ترکیب بهینه منابع موجود (انسانی، فناوری و تجهیزات، مواد خام، انرژی و سرمایه و خدمات میانی) ارزش افزوده بالا ایجاد نماید. افزایش و رشد بهره‌وری باعث رقابت پذیر شدن کشورها در بازار رقابتی گسترده‌تری است. دستیابی به نرخ رشد پایدار اقتصادی را تسهیل می‌نماید.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که علیرغم سهم بالای بهره‌وری در تامین رشد اقتصادی بسیاری از کشورها، متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در چند دهه اخیر در ایران پایین بوده و نقش قابل ملاحظه‌ای در رشد اقتصادی کشور نداشته است. اما از آن جایی که طبق اهداف سند چشم‌انداز، بهره‌وری به عنوان یکی از ارکان اصلی تحول اقتصاد کشور به جایگاه اول میان کشورهای منطقه قلمداد شده، بررسی عملکرد شاخص‌های بهره‌وری به منظور شناسایی و آگاهی از عملکرد آن‌ها و در نتیجه تلاش برای افزایش آن نیز از اهم برنامه‌های برخوردار بوده و در مطالعات مربوط به چشم‌انداز ضروری به نظر می‌رسد. لذا فصل دوم کتاب به مقایسه عملکرد شاخص‌های بهره‌وری ایران و رقبای اصلی در منطقه، به پیش‌بینی افق آینده شاخص‌های مذکور طی سال‌های آینده خواهد پرداخت. این فصل با مروری بر نحوه محاسبه بهره‌وری، شاخص‌های «بهره‌وری نیروی کار»، «بهره‌وری سرمایه» و «بهره‌وری کل» پرداخته و پیش‌بینی وضعیت هر کدام از شاخص‌های مذکور در منطقه نیز انجام گرفته است.

ج. کسب و کار

سیاست‌های کلی نظام در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی و توانمندسازی بخش‌های خصوصی را در فهرست اولویت‌های خود قرار داده است. این مهم به صورت مستقیم و غیرمستقیم با شاخص‌های مختلف سهولت کسب‌وکار بخش خصوصی اقتصاد در ارتباط می‌باشند.

سیاستی به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، بدون داشتن بخش خصوصی توانمند امری بسیار بعید به نظر می‌رسد. فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و کارآفرینی در حوزه‌های مختلف از جمله موضوعاتی است که نیازمند توجه بوده و غفلت از آن، دستیابی به اهداف این سند را بیش از پیش با مشکل مواجه خواهد ساخت.

از آنجا که بخش خصوصی در اقتصاد مبتنی بر مجموعه پیچیده‌ای از عوامل (از جمله گستردگی زیرساخت‌ها، نیروی انسانی، محیط با ثبات اقتصاد، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مقررات بازار، تکنولوژی، آموزش، سلامت و سایر موارد مشابه) می‌باشد، لذا تقویت مشارکت این بخش در اقتصاد، محور توجه به این پیچیدگی‌ها غیرممکن خواهد بود.

گزارش توسعه بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، بهبود محیط کسب و کار را یکی از چالش‌های اساسی کشورهای در حال توسعه را یکی کرده و آن را برای ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش فقر و بهبود استاندارد زندگی مردم اساسی دانسته است. کسب‌وکار از دیدگاه اقتصادی، به صورت مطالعه روش‌های مدیریت منابع کمیاب در یک بخش اقتصادی تعریف می‌شود. بنابراین می‌توان موضوع کسب‌وکار را در حیطه مطالعات اقتصاد به‌دست‌یابی نمود. از منظر دیگر منظور از فضای کسب‌وکار، عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی (مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیتی، ثبات قوانین و مقررات، زیرساخت‌های و سایر موارد مشابه) می‌باشد که ایجاد تغییر در آن‌ها، فراتر از اختیارات مدیران بنگاه‌ها و کارآفرینان می‌باشد؛ بنابراین می‌توان دانست که پیش از ورود بنگاه‌های اقتصادی در مسیر کسب‌وکار، مقدمات این حضور که بسا در اختیار سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور می‌باشد، باید فراهم شده باشد.

با توجه به اهمیت حیاتی این موضوع برای تشویق حضور فعال بخش خصوصی در اقتصاد ایران و توجه به بهبود محیط کسب‌وکار در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، فصل سوم مطالعه حاضر به بررسی وضعیت کسب‌وکار در کشورهای منطقه پرداخته است. این فصل به صورت مبسوط به روش‌شناسی «شاخص سهولت کسب‌وکار» پرداخته و مواردی که در این

گزارش مورد توجه قرار می‌گیرد را شناسایی نموده است. این شاخص، شامل زیرشاخص‌های متنوعی می‌باشد که طیف وسیعی از موضوعات اقتصادی و حقوقی را در بر می‌گیرد. وضعیت کنونی کشورهای منطقه در هر کدام از این زیرشاخص‌ها نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته پیش‌بینی نهایی بر اساس شاخص کلی «سهولت کسب و کار» صورت گرفته است.

د. بخش مالی دولت

پیش‌بینی دولت‌های مدرن و گسترش ماموریت آن‌ها از وظایف تاریخی به حوزه‌های توسعه و رفاه اجتماعی، به ویژه در کشورهای درحال توسعه، موجب افزایش حجم وظایف و مسئولیت‌های دولت شده است. این مسئولیت به تدریج پای دولت‌های جوامع توسعه نیافته را به دخالت‌های مستقیم فعالیت‌های اقتصادی و مدیریت منابع محدود آن‌ها باز کرد. دخالت‌های مزبور، علاوه بر مداخله مربوط به کارایی در تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع، به چگونگی توزیع درآمدها و تحقق عدالت اجتماعی مربوط می‌شود.

در پی تغییر و تحولاتی که در چند دهه اخیر در جایگاه، ماموریت و کارکردهای بخش عمومی روی داده، نظام‌های بودجه‌ریزی، مدیریت مالی و عملیاتی دولت‌ها نیز متحول شده است. این تحول، بر تعاریف، مفاهیم، وظایف و کارکردهای بودجه‌ای تأثیر گذاشت و بودجه‌ریزی را از فن ارائه اطلاعاتی برای تأمین حقوق مردم مقننه و کسب جواز مالی عملیات دولت، به فرایندی بسیار پیچیده و چند وجهی از فعالیت‌های بخش عمومی تبدیل کرده است.

هرچند حضور و مداخله دولت در اقتصاد بسیار ضروری می‌نماید، اما اغلب نظریات اقتصادی از حضور دولت تنها در بخش‌هایی که بازار تعادل ندارد استقبال می‌کنند. به عبارت دیگر تسلط دولت در اقتصاد با مباحث مربوط به امنیت اقتصادی (رقابت و مالکیت) همخوانی ندارد. بررسی وضعیت اقتصاد ایران حاکی از نقایص عظیم دولت و حیطه تسلط آن بر اقتصاد ایران می‌باشد. این موضوع بر خلاف اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد. از این روی برای بررسی عمیق‌تر این موضوع، فصل چهارم کتاب به مقایسه وضعیت بخش مالی دولت در اقتصاد ایران و بررسی کشورهای منطقه اختصاص یافته است تا این موضوع با جزئیات بیشتر مورد ارزیابی قرار گیرد. در این فصل شاخص‌های مختلف بخش مالی، دولت مانند «سهم انواع درآمدهای دولت»، «سهم انواع مخارج دولت»، «کسری بودجه دولت» و «سهم دولت از تولید ناخالص داخلی» و نیز اندازه اقتصاد ایران و کشورهای منطقه مورد توجه قرار گرفته است. پیش‌بینی شاخص‌های مالی و تبیین جایگاه ایران در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، در این فصل نیز انجام گرفته است.

ه- خصوصی سازی

با گذشت سه دهه از حضور فعال دولت در عرصه سیاست و اقتصاد، به مرور ضعف و ناتوانی عملکرد بنگاه‌های دولتی نمایان شده است؛ از یک سو عدم تخصیص بهینه و مطلوب منابع در حوزه عملکرد دولت‌ها و از سوی دیگر نیاز به جداسازی دولت از امور پایین دست و همت گماردن به مسایل و امور حیاتی‌تر، موجب شد تا از دهه ۸۰ به بعد سیاست خصوصی سازی، محور و مبنای فکری نظریه پردازان اقتصادی شود و حرکت به سوی ترکیب بهینه دولت و بازار به شکل پیشرفته تری مطرح گردد. لایحه میان فروپاشی نظام سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی از مهمترین عواملی بود که در سیاست گذشتن حرکت به سوی خصوصی سازی و آزادسازی ایفای نقش کرد.

در یک محیط به سرعت در حال جهانی شدن و آزادسازی، خصوصی سازی شرکت‌های دولتی برای جلب دل‌ها یک برنامه و هدف مهم شده است. اگرچه فرایند خصوصی سازی در نواحی مختلف جهان به روش‌ها و ناگوئی را در پیش گرفته و آهنگ حرکت آن بسته به وضعیت موجود متفاوت بوده است. اما همواره تلاشی تاریخی برای اصلاح نقش دولت در اقتصاد و مشارکت عمومی در فعالیت‌های اقتصادی وجود داشته است. این روند به سمت تکیه بر اقدامات و ابتکارهای بخش خصوصی در زمینه تقویت رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال برای جمعیت‌های به سرعت در حال ازدیاد، در حرکت خصوصی سازی در مفهوم گسترده آن به روش‌های کاهش نقش دولت، واگذاری نقش بیشتر به بخش خصوصی و پیروی از منطق بازار در تمام تصمیمات اقتصادی اطلاق می‌شود. علاوه بر این خصوصی سازی، هنگامی نمود پیدا می‌کند که دولت‌ها تصمیم به کاهش تعهدات خود در زمینه تنظیم و هدایت رفتار بازیگران خصوصی در اقتصاد بگیرند. هدف از پیگیری سیاست‌های حذف مقررات و آزادسازی این است که سیستم تنظیمی محدود کننده اهمیت کمتری پیدا کند.

در ایران با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون و تصویب قانون مربوطه در سال ۱۳۸۷ زمینه اجرای فرایند آزادسازی و خصوصی سازی فراهم گردید. با توجه به اهمیت سیاست‌های مربوط به اصل ۴۴ و تاکید ویژه‌ای که بر تقویت نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران صورت می‌گیرد، فصل پنجم کتاب حاضر به بررسی روش‌های مختلف خصوصی سازی و تجربه کشورهای مهم منطقه در امر خصوصی سازی پرداخته است. در این فصل تجربه خصوصی سازی در ایران در برنامه‌های مختلف توسعه نیز به تفکیک مورد توجه قرار گرفته و با آسیب شناسی فرایند خصوصی سازی در ایران، وضعیت آتی خصوصی سازی در ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تحلیل شده است.

و- رقابت پذیری

جهان قرن بیست و یکم دنیای آکنده از رقابت، توسعه بازارها، ظهور و رواج تکنولوژی‌های برتر، گسترش تجارت است. شرط توفیق در این عرصه، بهره‌گیری از فرصت‌ها و رویارویی با چالش‌های پیشرو است و این همه ایجاب می‌کند که فرایند توسعه اقتصادی- اجتماعی با رویکردی راهبردی نسبت به تشخیص شرایط جدید بین‌المللی و با شناخت دگرگونی‌ها در ترکیب و روند مناسبات سیاسی- اقتصادی جهانی و منطقه‌ای همراه باشد در تهیه و تدوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ با توجه به ضرورت‌ها و الزامات ناشی از تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصاد جهانی، تحولات علمی و تکنولوژیکی نو، بخصوص تکنولوژی اطلاعات و نیازهای توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور، توجه خاصی به برنامه‌ریزی برای افزایش قدرت رقابت پذیری بنگاه‌های اقتصادی شده است.

رشد ارتباطات بین‌الملل به همراه کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل سبب رشد دامنه نفوذ کالاها و خدمات شده و شرکت‌ها دامنه بازارهای خود را به شدت گسترش داده‌اند. در این فضای آکنده از رقابت، بنگاه‌های ملی ادراک حیات خواهند یافت که از توان رقابت‌پذیری بالایی برخوردار باشند. رقابت‌پذیری در سطح ملی و چارچوب‌های کلان نیز از اهمیت برخوردار بوده و کشورهای مختلف، با مطالعه مریت‌ها، توانایی‌های خود سعی در شناسایی عوامل موثر بر بهبود توان رقابتی بنگاه‌های ملی در نظام بین‌الملل شده‌اند. بنابراین، یکی از مهمترین مواردی که موفقیت کشورهای مختلف، در دستیابی به اهداف بلندمدت را تحت تاثیر قرار خواهد داد، توان رقابت آن با سایر کشورهای منطقه و جهان می‌باشد. هر چند بندهای مختلف سیاست‌های کلی نظام در راستای چشم‌انداز ارتباط غیرمستقیم با توان رقابت کشور با سایر کشورهای منطقه دارد، اما در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که به‌عنوان یکی از محورهای تعیین سیاست‌ها است، «تحقیق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی» به‌طور مستقیم ذکر شده و به موضوع رقابت و رقابت‌پذیری در بُعد منطقه‌ای و داخلی پرداخته است. سند چشم‌انداز و سیاست‌های ناشی از آن را باید در راستای افزایش رقابت‌پذیری بخش‌های مختلف کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه دانست.

بنابراین با توجه به نقش تعیین کننده رقابت‌پذیری در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، فصل ششم کتاب بررسی ارکان و شاخص‌های مختلف رقابت‌پذیری را مورد توجه قرار داده و وضعیت کشورهای مهم منطقه را از جنبه‌های مختلف این معیار مدنظر قرار داده است. در این فصل ارکان رقابت‌پذیری هر کشور با جزئیات تحلیل شده و جایگاه کشورهای منطقه در هر کدام از این ارکان تبیین گشته است.

ز- امنیت اقتصادی

دستیابی به توسعه یافتگی و افزایش توان اقتصادی و ارتقای جایگاه آن، نیازمند افزایش توان تولید ملی و بهبود وضعیت رفاهی در کشور است. دستیابی به این مهم بدون ایجاد ظرفیت‌های جدید و انجام سرمایه‌گذاری‌های بیشتر مقدور نخواهد بود. یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی و حتی داخلی، صرف‌نظر از کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری، ریسک و مخاطره است. به عبارتی سرمایه‌گذاران در فضای ناسازگار به لحاظ مخاطرات و ریسک فعالیت نمی‌کنند. بدین ترتیب ایجاد اطمینان و امنیت در کشورها، برای حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی امری ضروری است. یکی از جنبه‌های مهم اطمینان و امنیت، امنیت اقتصادی است که متأثر از محیط اقتصادی کشورهاست. امنیت اقتصادی می‌تواند بر متغیرهای متعددی در اقتصاد هر کشور تأثیرگذار باشد که محاسبه میزان و نحوه اثرگذاری آن نیازمند شناخت عمیق و اندازه‌گیری آن در طول زمان است.

از سوی دیگر، در بررسی در راستای اهداف چشم‌انداز نیازمند رصد دائمی وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای مرتبط با آن است که این امر از طریق بررسی و تحلیل وضع موجود و ارائه پیش‌بینی‌ها بر اساس آن امکان‌پذیر است. لذا در فصل هفتم، امنیت اقتصادی به عنوان یکی از متغیرهای مهم و اثرگذار در دستیابی به اهداف چشم‌انداز، مورد بررسی قرار گرفته و وضعیت ایران در مقایسه با رقبای مهم در افق پیش‌بینی می‌شود. در این فصل نیز شاخص‌های مختلف امنیت اقتصادی مانند «شاخص بیاد هر ریج»، «شاخص بی. ام. آی»، «شاخص یورومانی» و «شاخص اس. اند. پی» مورد توجه بوده و در نهایت شاخصی ترکیبی برای امنیت اقتصادی معرفی و وضعیت کشورهای منطقه در هر کدام از شاخص‌های آن و در نهایت در شاخص کلی، تعیین و تجزیه و تحلیل شده است. در این گزارش، به بررسی شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی در دو سناریو تا سال ۱۴۰۴ برای کشورهای منطقه یاراور و جایگاه ایران در میان این کشورها شناسایی شده است.

ح- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

تأثیر شگرف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، بیانگر نقش‌آفرینی این شکل از سرمایه‌گذاری در رونق اقتصادی آنان می‌باشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکاف بین منابع پس انداز ملی و نیازهای سرمایه‌گذاری و همچنین عدم تعادل بین هزینه‌ها و درآمدهای ارزی موجب شده است تا این کشورها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی و برای تکمیل منابع داخلی، به منابع خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

روی آورند. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اهرمی برای تسریع آهنگ رشد اقتصادی می‌باشد.

با توجه به موارد بیان شده، شناخت و تجزیه و تحلیل دقیق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر کشور کمک شایانی در رسیدن به اهداف اقتصادی خواهد کرد. اقتصاد ایران نیز همانند بسیاری کشورهای در حال توسعه، سال‌هاست که از کمبود پس‌انداز و ناچیز بودن انباشت سرمایه داخلی همچنین فرار سرمایه رنج می‌برد و مسئولان نیز در سال‌های اخیر لزوم آن را درک نموده و به دنبال دنیای راه‌کارهای مناسب جهت جذب این سرمایه‌ها بوده‌اند.

یکی از ابزارهای تحقق اهداف موردنظر در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، افزایش مستمر رشد اقتصادی کشور می‌باشد و همانطور که گفته شد یکی از عوامل موثر بر این رشد اقتصادی مستقیم جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور می‌باشد. به همین منظور در فصل هشتم کتاب سعی شده است با اضمین بررسی وضعیت فعلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و کشورهای منطقه با توجه به اطلاعات موجود در این زمینه به پیش بینی وضعیت این متغیر در ایران و سایر کشورهای منطقه تا سال ۱۴۰۴ نیز پرداخته شود.

ط- جهانی شدن

یکی از موضوعاتی که ذهن جوامع امروز را خود مشغول کرده است، مفهوم و واقعیت جهانی شدن و تأثیرات آن بر دیگر شئون حیات بشری اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، محیط زیست، رسانه‌ها، قوه‌یت‌ها، ملیت‌ها است. علیرغم حجم انبوه و وسیع مطالعات، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌ها در گستره جهانی درباره این نسبت، در عالم واقع سرعت فرایند جهانی شدن بسی بیشتر از فعالیت‌های مذکور است و این حاکی از پیچیده بودن و گسترش یافتن بودن جهانی شدن است. برخی از تحلیل‌گران دو واژه جهانی شدن و بین‌المللی شدن را مترادف می‌پندارند.

جهانی شدن فرایندی است که از دهه‌های گذشته شروع و به سرعت به موافقت یا مخالفت دولت‌ها به مسیر خود ادامه داده است. بنابراین این پدیده باید با دیدگاه آسیب‌شناسی و مزیت‌سنجی مورد توجه قرار گرفته و با توجه به منافع ملی از این روند جهانی نهایت استفاده گردد؛ چراکه جهانی شدن فرایندی دو پهلوی و در بردارنده فرصت‌ها و چالش‌ها برای همه کشورهاست. هر چند کشورهای پیشرفته می‌توانند نقشی فعال‌تر و مؤثرتر در این وضعیت داشته باشند، اما هرگز به معنای آن نیست که آنان در حاشیه امن قرار دارند و تنها دارای فرصت می‌باشند.

امروزه سرمایه‌گذاران بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ چندملیتی، در انتخاب اهداف سرمایه‌گذاری‌های خود به گزارش‌های راهنما و شاخص‌های مختلفی که توسط موسسات بین‌المللی تهیه می‌شود توجه جدی دارند. یکی از مهمترین شاخص‌هایی که در این میان از اهمیت به سزایی برخوردار است، شاخص‌های جهانی شدن در ابعاد مختلف می‌باشد. از این روی سعی شده است این موضوع نیز بخشی از کتاب حاضر باشد تا با مروری بر شاخص‌های مختلف جهانی شدن، جنبه‌های متنوع این پدیده به صورت جامع مد نظر قرار گیرد. در این مسیر جهانی شدن از سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی شده و شاخص‌های هر حوزه به تفکیک در کشورهای منطقه تجزیه و تحلیل شده است. در نهایت دو شاخص ترکیبی «اتاق فکر کی. ا. اف» و «مؤشر سیاست خارجی» نیز برای بررسی وضعیت کشورهای منطقه در جهانی شدن، معرفی و بحث شده است. پیش از این روند آتی جهانی شدن در حوزه‌های مختلف کشورهای اصلی رقیب ایران نیز از جنبه‌های مختلف تشکیل دهنده فصل جهانی شدن می‌باشد.

ظ- شاخص فلاکت

در گذشته عملکرد اقتصاد با شاخص‌های کلی نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی مورد قضاوت قرار می‌گرفت و تورم و نرخ رشد به عنوان مهمترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت اقتصادی کشورها قلمداد می‌شدند، ولی در سده‌های اخیر شاخص‌های ترکیبی جدیدی در این زمینه مطرح شده است که از جمله آن‌ها «شاخص فلاکت» می‌باشد که مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری را شامل می‌شود و نشانه‌ای از وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور است. بنابراین بررسی رابطه میان تورم و بیکاری که در نهایت منجر به بررسی شاخص فلاکت می‌شود و نیز تلاش در جهت اهداف چشم‌انداز به منظور تک رقیمی شدن نرخ بیکاری و نرخ تورم که کاهش شاخص فلاکت را نیز در پی خواهد داشت، مورد توجه فراوان بوده و از موضوعات با اهمیت در اقتصاد کشور می‌باشد. با توجه به اهمیت این موضوع و به منظور تحلیل وضعیت شاخص فلاکت ایران و منطقه و برآوردی از وضعیت آتی آن، در فصل دهم کتاب به این مبحث مهم اقتصادی پرداخته خواهد شد. در پایان از حمایت‌های مالی و معنوی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در طول فرایند تهیه گزارش‌های پژوهشی تشکر می‌شود. در ضمن از تمامی همکارانی که در تهیه گزارش‌های کتاب حاضر یاری‌رسان کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع بوده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داریم. امید است کتاب حاضر گامی هر چند کوچک در راستای تبیین و تحلیل

شاخصهای مهم اقتصادی سند چشم‌انداز بیست ساله نظام و نیز ارزیابی و نظارت بر روند دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ در کشور باشد.

درضمن این مجموعه بی‌شک عاری از خطا نبوده و در اینجا لازم می‌دانیم تا آمادگی خود را برای دریافت نظرات ارزشمند تمامی اساتید، صاحب‌نظران و دلسوزانی که هرگونه نقد، پیشنهاد و یا راهکاری در راستای بهبود کمی و کیفی مطالب این مجموعه دارند، اعلام داریم.

www.ketab.ir